

# خلاصه ای از جهان مسیحیت



بررسی فرقه های متفاوت مسیحی  
و بدعت های موجود

آموزشگاه کتاب مقدس کلیسای برادران روحانی ارمنی

۱۳۷۷

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه اول - کلیسای کاتولیک (1)

#### ۱- عنوان، انشعابات و آمار

عنوان رسمی «کلیسای کاتولیکا» این ادعا را نشان می‌دهد که این کلیسا تنها کلیسای جهانی و حقیقی است. همچنین عنوان «کلیسای رومانا» را نیز برای خود به کار می‌برند. در حال حاضر حدود یک میلیارد از مسیحیان جهان (که جمعاً ۱/۸ میلیارد هستند)، پیرو کلیسای کاتولیک می‌باشند. اکثریت کاتولیکها در اروپای مرکزی و جنوبی، آمریکای لاتین و در بعضی کشورهای آفریقایی و آسیایی از جمله فیلیپین به سر می‌برند.

#### ۲- مشخصات کلیسای کاتولیک

کاتولیک را می‌توان به «جامع و شامل» تفسیر کرد، چون از سویی عناصر مذهبی گوناگونی را در طول تاریخ در خود جذب نموده؛ از جمله: مذاهب سزای روم باستان، قوانین رومی و ژرمنی، فلسفه افلاطون و ارسطو، مفاهیم تکاملی جدید و بسیاری عوامل دیگر. این آیین به عنوان «جمع اضداد» هم توصیف شده است. این آیین بسیار فراگیر است و برای همه چیز انسان و کلیه مراحل فرهنگی بشر تعالیمی دارد. در این کلیسا، هر نوع اعمال مذهبی انجام می‌پذیرد و مظهری است از حکومت خدا بر روی زمین و مسبل عیسی مسیح. عقیده به مصونیت پاپ از خطا که در سال ۱۸۷۰ در شورای اول واتیکان تثبیت شد، مسئولیت دایمی تعلیم رسمی کلیسا را برای تعیین اصول عقاید صحیح اعلام می‌دارد. نقطه مرکزی کلیسای کاتولیک رومی، عبادت است و مراسم عشاء ربانی نیز کانون آن می‌باشد.

#### ۳- منابع اصول عقاید، قوانین شرعی و مراسم عبادی

برای اصول عقاید کاتولیک، سه منبع وجود دارد که عبارتند از: کتابمقدس، سنت و تعلیمات رسمی کلیسا. طبق مصوبه شورای ترنت (۱۵۶۴-۱۵۴۵) کتابمقدس و سنت دارای رتبه واحدی هستند و باید نسبت به هر دو، بطور یکسان احترام قائل شد. کلیسا نیز مفسر کتابمقدس و تعیین کننده سنن واقعی است. ذیلاً به مأخذ اصول عقاید این کلیسا اشاره می‌شود:

- ۱) کتابمقدس: شامل عهد عتیق (همراه با کتب ایوکریرفا) و عهد جدید. ترجمه لاتینی «ولگات»، از اعتبار خاصی برخوردار است.
- ۲) اعتقاداتنامه‌های سه گانه جهانی: شامل اعتقاداتنامه‌های رسولان، نیکیه و آتاناسیوس که هر سه در مراسم عشاء ربانی به کار می‌روند.
- ۳) عقاید و مصوبات شورای ترنت (۱۵۶۴): شرح اصول اعتقادات و مصوبات مربوط به عقاید مردود (شامل چند عقیده لوتری).
- ۴) اعترافنامه در مورد ایمان به تثلیث: که در سال ۱۵۶۴ پس از پایان شورای ترنت تنظیم گردید.
- ۵) پرسش و پاسخهای رومی: تألیف کمیسیون پاپی بود و بیشتر به درد کشیشها می‌خورد تا مردم عادی.
- ۶) عقاید و مصوبات شورای اول واتیکان: که مهمترین آنها تصویب نامه مصونیت پاپ از خطا است.
- ۷) کلیه اظهارات پاپ در مستند خود.
- ۸) آثاری از صاحب نظران روحانی کلیسا: «چهار صاحب نظر کلیسا» عبارتند از قدیسان آمبروز، جروم، آگوستین و لئوی کبیر.
- ۹) قانون رسمی کلیسا: که اولین بار به ابتکار پاپ بندیکت پانزدهم در ۱۸-۱۹۱۷ انتشار یافت.
- ۱۰) کتب دینی زیر: «کتاب دعاها روزانه» (۱۵۶۸) - «آیین عشاء ربانی رومی» (۱۵۷۰) - «مراسم و شعائر رومی» (۱۶۱۴) - «نشانه‌های اسقفی روم» (۱۵۹۶) و «مراسم و جشنهای مربوط به اسقفها» (۱۶۰۰).

#### ۴- سیستم اصول عقاید

در کلیسای کاتولیک رومی بر پیوستگی میان شریعت با فیض و انجیل تأکید شده است. به طبیعت و ماوراءالطبیعه و به عبارتی به عقل و ایمان توجه بسیار شده است. ذات گناه‌آلود انسان و فیض بخشنده الهی در کنار هم قرار دارند و لازم و ملزوم یکدیگرند.

#### ۵- اصول عقاید مربوط به انسان و نجات

الف) عقیده مربوط به انسان: انسان در گناه سقوط کرده و طبیعتش فاسد شده و تمایل به گناه دارد.

ب) اساس واقعی نجات: نجات کار مسیح است. مرگ و قربانی مسیح، مصالحه ما با خداست. در این میان، نقش مریم باکره نیز مورد تأکید است.

ج) عادل شمردگی: عادل شمرده شدن و کسب نجات: ۱) از فیض خداست، ۲) بستگی به اختیار انسان دارد، ۳) بستگی به اعمال انسان دارد، ۴) صرفاً بخشش نیست، بلکه ما را عوض می‌کند، ۵) ممکن است از دست برود، ۶) در اعمال نیکو رشد می‌یابد، ۷) نباید نسبت به تداوم آن یقین داشت.

## ۶- آیین‌های مذهبی

آیین‌ها، شکل مرئی و محسوس از یک فیض نامرئی هستند و دارای ماده و صورت می‌باشند. چهار شرط برای تکمیل ارزش یک آیین عبارتند از: ۱) ماده مناسب، ۲) شکل و صورت مناسب، ۳) شخص مناسب با تصمیم درست، ۴) دریافت کننده با لیاقت.

آیین‌های مذهبی در کلیسای کاتولیک رومی عبارتند از:

الف) تعمید: توسط آب و بیان جمله‌ای خاص صورت می‌گیرد و نشانه تولد تازه و پیوستگی به کلیساست.

ب) تأیید: توسط روغن و بیان جمله‌ای خاص معمولاً در سن دوازده سالگی صورت می‌پذیرد.

ج) عشاء ربانی: مواد آن عبارتند از نان و شراب که سمبلی است از حضور مسیح در کلیسای خود.

د) اعتراف و توبه: انجام آن از سوی هر مسیحی لازم است و کشیش دارای مجوز از طرف اسقف، بخشش او را اعلام می‌کند.

ه) تدهین نهایی قبل از مرگ: در این مورد از روغن برای تدهین بیمار در حال احتضار استفاده می‌شود و کشیش دعایی برای او

می‌خواند.

و) دستگذاری مقامات روحانی: این آیین فقط توسط اسقفان صورت می‌گیرد و روحانیون در سه رتبه شماسی، کشیشی و اسقفی

دستگذاری می‌شوند.

ز) ازدواج: پیمان میان زن و شوهر شکل مرئی از فیض نامرئی خدا تلقی شده است و حاکی از ارتباط میان مسیح و کلیسای اوست.

## ۷- وسایل دیگر فیض

در این مورد بطور خلاصه می‌توان به دعا همراه با زانو زدن، استفاده از تسبیح، اعمال نیکو، روزه، و دادن کفاره اشاره نمود.

## ۸- عبادت

عبادت کلیسای کاتولیک رومی بر اساس کلیه حواس پنجگانه انسان صورت می‌گیرد، بخصوص حس بینایی. در این مورد دیدن تماشاها و مجسمه‌ها، شخص را به عبادت وامی‌دارد. شنیدن آیات و سرودها، چشیدن نان مقدس در مراسم عشاء ربانی، بوئیدن بوی گُندر و لمس دست یکدیگر در مراسم سلام برکت نیز روح عبادت شخص را تقویت می‌کند.

در مراسم عبادتی کلیسای کاتولیک لازم است از زبان لاتینی استفاده شود. برای هفته مقدس قبل از عید قیام خاصی در نظر می‌گیرند. دعاها و سرودهای کلیسایی بخصوص در جشنها و اعیاد مربوط به مقدسین از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند.

## ۹- برزخ و مقدسان

کلیسای کاتولیک رومی اعتقاد راسخی به جهنم، بهشت و نیز برزخ دارد. به نظر آنها، اکثریت ارواح که بالاخره وارد حیات ابدی می‌شوند، قبل از آنکه بتوانند به رحمت خدا دست یابند، ابتدا روانه برزخ می‌شوند تا تطهیر گردند؛ بنابراین ابتدا باید از میان آتش عبور کنند. آنها خود نمی‌توانند به تنهایی کسب لیاقت کنند، بلکه با کمک کلیسای روی زمین، از طریق دعاها، شفاعت، گناه‌بخشی کشیش و قربانی عشاء ربانی، این کار برای آنها میسر است.

احترام رسمی به مقدسین در اعیاد مخصوص آنها توسط برگزاری مراسم عشاء ربانی به افتخار و به یادبود آنها صورت می‌پذیرد. این احترام نسبت به مقدسین، شامل دعا خطاب به آنها و قرار دادن شمع در برابر تمثال آنها نیز می‌شود. برای هر سن و حرفه‌ای قدیس نگاهبانی وجود دارد. شهدا نیز مورد تجلیل و اکرام قرار می‌گیرند. تعداد مقدسان زیاد است. در قرن شانزدهم، تعداد آنها بیش از ده هزار نفر بود. انتخاب رسمی مقدسان توسط پاپ برای اولین بار در سال ۹۹۳ انجام شد. معیارهای قطعی در این باره عبارتند از زندگی همراه با تقدیس در روی زمین و صدور سه معجزه در طول زندگی یا در قبر یا از طریق شفاعت. برای این منظور دو مرحله وجود دارد در مرحله اول به شخص عنوان مبارک داده می‌شود و در مرحله دوم مقدس.

## ۱۰- نظامهای مذهبی و جماعات

در کلیسای کاتولیک رومی، زندگی رهبانی وسیله‌ای است برای کسب کمال و بر زهد و ریاضت، تکیه بسیار می‌شود. بر خلاف کلیساهای ارتدکس شرقی در کلیسای کاتولیک رومی به رهبانیت گروهی در دیرها پرداخته می‌شود. نظامهای مذهبی کلیسای کاتولیک رومی را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود:

- ۱) پیروان قوانین شرعی ثابت: با تأکید بر داشتن یک زندگی ساده اجتماعی؛ از جمله آگوستینیها و پیروان سن برنارد.
- ۲) نظام کاتوزیان: متشکل از کشیشان که برای کار شبانی دعوت شده بودند؛ شامل ژزویتها که دارای چهار طبقه نوآموزان، دانش آموزان، معاونت روحانی، و پروفیسوری هستند.
- ۳) نظامهای رهبانی: دارای قوانین دقیقی مربوط به زندگی مرتاضانه و فداکارانه؛ از جمله نظامهای بندیکتی، سیسترسیانی، و کارتوزیانی.

- ۴) نظامهای مندیکانت: با تأکید بر فقر و فعالیت‌های دنیوی؛ شامل فرانسیسکنا، کاپوچینها و دومینیکنا.
- ۵) جماعتها: که طبق ویژه‌ای از رهبانیت با وضع جدید است در این میان یا نصد جمعیت مختلف تأسیس شده‌اند از جمله: لازاریست‌ها و خواهران محبت.

## ۱۱- گسترش‌های اخیر

در این مورد می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

- ۱) کسب مجدد نیرو و نفوذ کلیسای کاتولیک: در دهه‌های اخیر کلیسای کاتولیک در صحنه جهانی بخصوص در مقابله با استبداد، مقابله با کمونیسم، و حمایت از وضع قوانین به سود کلیسا در کشورهای مختلف دارای وزنه خاصی بوده است.
- ۲) نیروی جدید فلسفی: فلسفه نئوتومیسیم و ظهور فیلسوفان الهی دان در کلیسای کاتولیک نیروی جدیدی به این کلیسا بخشیده. از سوی دیگر به مدنیزم و هماهنگی با علوم نیز توجه بیشتری شده است.
- ۳) الهیات جدید مربوط به کتابمقدس: در کلیسای کاتولیک همچنان بر مصون از خطا بودن وحی کتابمقدس تأکید می‌شود، اما به مطالعه و تحقیق و نیز ترجمه و اجازه خواندن آن نیز توجه بیشتری شده است.
- ۴) نهضت عشاء ربانی: هدف از این نهضت بازگشت به منابع و تجدید ارزشهای کلیسا در عشاء ربانی است. در این مورد، کتب زیادی چاپ شده و کتاب دعا و تعلیم عشاء ربانی نیز به زبانهای محلی ترجمه گشته است.
- ۵) نهضت ایجاد ارتباط میان کلیسا و طبقه کارگر: این امر با به وجود آمدن کشیشان کارگر و دفاع از حقوق کارگران باعث نزدیکی کلیسا و طبقه کارگر گردید. اما با گرایشات سوسیالیستی در بین بعضی از آنها، این فعالیتها محدود و بالاخره تعطیل شد.
- ۶) پدید آمدن گرایش نسبت به سایر کلیساها: در سنوات اخیر و بخصوص بعد از شورای دوم واتیکان گرایش بیشتری نسبت به سایر کلیساها بوجود آمده، نسبت به لوتر تجدید نظر گشته و برای اتحاد کلیساها مراسم دعا برگزار می‌شود.
- ۷) انتشار عقیده مریم شناسی: با افزایش ظهورات حضرت مریم در قرون اخیر تأکید بیشتری در این مورد به عمل می‌آید. از جمله می‌توان از برنادت اهل لورد، رؤیای فاتیما و تعیین عید انتقال مریم به آسمان نام برد.

## ضمیمه: کلیساهای متحد شرق

از زمان جنگهای صلیبی، از طرف کلیسای کاتولیک روم کوششهایی انجام شد تا کلیساهای شرقی با آن متحد شوند. این فعالیتها در برخی موارد نیز موفقیت آمیز بود. از این کلیساهای متحد شرق که به «یونبات» نیز مشهورند، می‌توان روتینیهای لهستان و غرب روسیه، مارونی‌های لبنان، کلیسای مالانکارا در کراولای هندوستان و کلیسای کلدانی را نام برد.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - فصل سوم)

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه دوم - کلیسای کاتولیک (۲)

#### کاتولیک‌های قدیم

با عدم پذیرش «مصونیت پاپ از خطا» (مصوبه شورای اول واتیکان در ۱۸ ژوئیه ۱۸۷۰)، عده‌ای از الهیدانان و کشیشان تحت رهبری یک استاد آلمانی تاریخ کلیسا به نام «ایگناز فن دولینگر» به مخالفت خود تا حد تکفیر ادامه دادند و در ۱۸۷۲ به سازمان دادن خود تحت نام «کلیسای کاتولیک قدیم» اقدام نمودند. آنها طرفدار اصول کلیسای کاتولیک رومی، به گونه پیش از سال ۱۸۷۰ بودند. «کاتولیک‌های قدیم» در کنگره‌ای که در سپتامبر ۱۸۷۲ در کلن آلمان برگزار شد، کلیسای خود را که معتقد بودند دنباله حقیقی کلیسای کاتولیک است، تشکیل دادند. عدم وجود اسقف‌های کاتولیک رومی در زمره کاتولیک‌های قدیم، مشکل بزرگی را برای این نهضت به وجود آورد. آنها «راین‌کنس» را به عنوان نخستین اسقف خود پذیرفتند، اما از اسقف‌های دارای تسامس دستگذاری رسولی، کسی برای تقدیس وی وجود نداشت. به همین خاطر از یک کلیسای کوچک کاتولیک جدایی خواه در هلند به نام «کلیسای اسقفی روحانی قدیم کاتولیک روم» تقاضای کمک کردند. در هلند، شش اسقف نشین کاتولیک توانستند پس از نهضت اصلاحات کلیسا باقی بمانند. از سوی دیگر، ژزوئیتها که به تبلیغ در آن کشور تمایل داشتند، با نادیده گرفتن سلسله مراتب روحانی محلی و اختلاف بر سر «جانسنیسم»، باعث اختلاف و صدور حکم برکناری سراسقف اوترخت از سوی رم شدند. وی از پذیرش این حکم، امتناع ورزید و پس از مرگش نیز سراسقف جدیدی از سوی انجمن کلیسای جامع برگزیده شد و توسط یک اسقف فرانسوی تقدیس گردید. رم فوراً باطل بودن این عمل را اعلام کرد و بدین ترتیب کلیسای نیمه مستقلی به وجود آمد.

در ۱۸۸۹ جماعت‌های کاتولیک قدیم در هلند، سوئیس و اتریش با اوترخت متحد شدند و آراء شورای تروت و احکام صادره از جانب پاپ از آن زمان به بعد را بی اعتبار دانستند. این کلیسا از رشد قابل توجهی برخوردار نبوده اما با تأکید بر لزوم اتحاد مجدد کلیساها، و نظر به اینکه مذاکرات مکوزش با کلیسای ارتودکس بی نتیجه مانده، از سال ۱۹۳۱ روابط مشترکی با کلیسای انگلیکان یافته است و بتدریج به سوی این کلیسا گرایش پیدا کرده است. از عقاید این کلیسا می‌توان به این نکات اشاره نمود: مردود بودن عقیده به انجام کارهای خارج از وظیفه - محدود بودن احترام به مقدسین - عقیده به حضور واقعی خداوند در عشاء ربانی؛ ولی نه به تبدیل نان و شراب به جسم و خون مسیح - برگزاری مراسم به زبانهای محلی - لغو قانون تجزیه روحانیون - عدم اجبار اعتراف خصوصی - عدم وجود نظام رهبانی. علاوه بر پیروان «کلیسای کاتولیک قدیم» در کشورهای مختلف، گروهی از کشیشان کلیسای کاتولیک رومی در چکسلواکی نیز از پاپ تقاضا کردند که: «عشاء ربانی به زبان بومی برگزار شود» (۶) قانون تجزیه روحانیون لغو گردد. با رد درخواست آنان، در سال ۱۹۲۰ «کلیسای چکسلواکی» را تشکیل دادند که در مورد بعضی عقاید به پروتستانتیسم لیبرال نزدیک شده است.

#### جماعت‌های حواری کاتولیک (ایروینگیت‌ها)

##### ۱- مبدا و تاریخ

این فرقه مذهبی دارای دو جنبه الهامی و کاتولیک است و اولین بار بین سالهای ۱۸۳۰ تا ۱۸۵۰ شکل گرفت. بنیان گذار این کلیسا کشیش اسکاتلندی بنام «ادوارد ایروینگ» بود. وی در سال ۱۸۲۲ برای کلیسای پربزبتری اسکاتلندیهای لندن منصوب گردید و در آنجا سخنرانیهای انقلابی او به زودی در سطح گسترده‌ای مورد توجه قرار گرفت. در آن زمان، عده‌ای تحت تأثیر احساسات الهامی و انتظار بازگشت قریب الوقوع مسیح، گروهی متشکل از روحانیون و مردم طبقات عادی را تشکیل دادند. این گروه تحت رهبری شخصی بنام «هنری دراموند» و در محل اقامت او اجتماع می‌کردند تا درباره تحقیق نبوتها تحقیق کنند. در ۱۸۳۰ شایعانی درباره ظهور مجدد «زبان روح القدس» در اسکاتلند، جایی که یک زن خیاط مسلول از بستر بیماری برخاست و نبوتی را ادا کرد، به لندن رسید. به تدریج ایروینگ و پیروان کلیسای او نیز تحت نفوذ این موج قرار گرفتند. وی از مقامش در کلیسای پربزبتری برکنار شد.

در کلیسای تازه تأسیس شده، منصب جدیدی تحت عنوان «رسولی» بوجود آمد. دوازده نفر به عنوان رسول منصوب گشتند که توسط انبیاء و پیشگویان برگزیده شده بودند. این رسولان به منظور مطالعه کتابمقدس برای آمادگی جهت کارهای بشارتی، به مدت یک سال از کار قبلی خود کناره گرفتند. هر یک از آنها مأمور تبلیغ در منطقه جغرافیایی خود گردید. برای تحقق آیات مکاشفه ۷: ۴ - ۸ هر یک از رسولان مأمور بود که دوازده هزار نفر از پندگان «مهر شده» خدا را از قبیله خود جمع کند و آنگاه پایان جهان فرا می‌رسید. قبل از اینکه این رسولان مأموریت خود را در سطح جهانی آغاز کنند، مشترکاً یک نامه شبانی تحت عنوان «شهادت نامه رسولی» به زبانهای لاتین، انگلیسی، فرانسه و آلمانی و مشتمل بر دوست صفحه انتشار دادند و برای پاتریارکها، اسقف‌ها، اسقف‌ها و سایر سران کلیسای مسیح در روی زمین و سایر حاکمان بر ملت‌های تعمید یافته، فرستادند. این شهادت‌نامه که توسط دراموند و رسول ایتالیا برای پاپ نیز فرستاده شد، اظهار می‌دارد که بازگشت ثانوی مسیح نزدیک است و او هم اکنون دوازده رسول را تعیین کرده است.

با آغاز مشاجرات در بین رسولان و انبیاء این کلیسا دوره رومی کردن ایروینگیزم آغاز شد. بسیاری از تعالیم و حتی بیشتر قسمتهای آداب عبادت در این نهضت جدید از کلیسای کاتولیک رومی اخذ شده است. در ۱۸۴۲ سیستم عبادت توسط رسولان تکمیل گردید. آنها کتاب نماز و دعای کاتولیکها، برخی از آداب نماز یونانی و کتاب عبادت عمومی کلیسای انگلیکان را به همراه بعضی از دعاهاى خودشان، مأخذ قرار دادند. لباسهای رسمی و باشکوه برای کشیشان، استفاده از وسایل مقدس بر روی محراب و استفاده از آب مقدس از دیگر مسائلی بود که از سال ۱۸۵۰ به بعد به آنها هویت کاتولیکی تر بخشید.

انتظار می‌رفت تا زمانی که آخرین رسول زنده است، بازگشت ثانوی مسیح صورت پذیرد. ولی او هم در ۱۹۰۱ از دنیا رفت. پس از مرگ آخرین رسول، هیچ انتصاب جدیدی نمی‌توانست صورت پذیرد. از آن پس کلیه تبلیغات متوقف شد و هیچ عضو جدیدی به جز همسران دارای مذاهب مختلف، در این کلیسا پذیرفته نشد.

#### ۲ - تعالیم و مراسم عبادت

تعالیم کلیسای کاتولیک درباره تئلیث اقدس، تجسم، خلقت و کار نجات بخش مسیح، همه در این کلیسا مورد قبول است. آیین‌های اصلی آنها عبارتند از تعمید و عشاء ربانی، اما تأیید، توبه و تدهین نهایی را نیز به رسمیت شناختند. تعمید کودک در این کلیسا به دو منظور انجام می‌گیرد: یکی تولد تازه کودک و دیگر پیوستگی او با کلیسا. عشاء ربانی دارای دو جنبه است: یکی آئین قربانی و دیگر عمل دسته جمعی. در این کلیسا چهار مقام مقدس وجود دارد: (۱) رسولان، (۲) انبیاء، (۳) مبشرین، (۴) شبانان و معلمان. رسولان منحصرنند به دوازده نفری که توسط روح القدس تعیین شده‌اند. انبیاء، آیات مهم کتابمقدس را روشن می‌سازند و حوادث آینده را پیشگویی می‌کنند. مبشرین، واعظان سیارند و روحانیون محلی، شبانان و معلمان را پرورش می‌دهند. در میان این گروه، سه رتبه وجود دارد: فرشته (اسقف) رهبران (مشایخ) و شماسان. اوج عبادت عبارتست از برگزاری عشاء ربانی مقدس که در هر صبح یکشنبه و نیز گاهی در روزهای دیگر هفته برگزار می‌شود. استعمال بخور در سال ۱۹۰۱ لغو شد. عشاء ربانی این کلیسا همان شکل عشاء ربانی کلیسای کاتولیک روم را دارا است. نبوتهای جدید و زبانهای روح القدس که باقیمانده‌ای هستند از دوران پر شور اولیه این کلیسا، اکنون به ندرت اتفاق می‌افتند.

#### ۳ - جماعات رسولی جدید

مرگ آخرین رسول مسائل مهمی را برای این کلیسا بوجود آورد. در ۱۸۶۰ هنگامی که شش نفر از رسولان مرده بودند، «گایر» رسول آلمان دو نفر از مبشرین را بعنوان رسول جدید منصوب کرد. وی در سال بعد نیز یک کشیش را بعنوان رسول تعیین کرد ولی این امر را تا مدتی مخفی نگاه داشت. در ۱۸۶۲ گایر بوسیله کلیسای رسولی کاتولیک تکفیر شد و از این رو یک جماعت اختصاصی تشکیل داد که بعدها به نام «جماعت رسولی جدید» موسوم گردید. پیروان او نیز به «ایروینگیتهای جدید» معروفند. نهضت جدید اجازه می‌داد که مکتب رسولی پس از مرگ رسولان اصلی نیز ادامه یابد. این کلیسای جدید گسترش سریعی پیدا کرد بویژه در آلمان و پس از آن در شمال و جنوب آمریکا و جاوه و استرالیا. نیوایروینگیسیم یا همان ایروینگیتهای جدید بسیاری از ویژگیهای کاتولیکی نهضت اصلی را از خود دور ساخته است و سعی نموده در اعتقاد و آئین‌ها شباهت کاملی به کلیساهای اصلاح شده پیدا کند. تعمید، تأیید و عشاء ربانی، آئین‌های مقدس به حساب می‌آیند. تعمید نیابتی برای مردگان، یکی از ویژگیهای این کلیسا است.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - فصول چهارم و پنجم)

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه سوم - کلیسای ارتودوکس

#### ۱- عنوان، انشعابات و آمار

عنوان رسمی این کلیسا عبارت است از: «کلیسای شرقی ارتودوکس» و شامل کلیساهایی می‌شود که همگی در دوره‌ای از تاریخ کلیسای سلطنتی بیزانس، به وجود آمده‌اند. امروزه کلیسای ارتودوکس از کلیساهای متعدد و مستقل ترکیب شده است. در این کلیساها، آداب عبادت، اصول اعتقادی و قوانین شرعی، مشترک هستند. اکثر این کلیساهای ملی هستند و با زندگی ملت‌های خود، همبستگی صمیمانه‌ای دارند. تعداد پیروان کلیساهای ارتودوکس در حال حاضر، حدود ۴۰۰ میلیون نفر در سراسر جهان تخمین زده می‌شود. قدیمی‌ترین و مقدس‌ترین کلیساهای ارتودوکس عبارتند از: چهار اسقف‌نشین قسطنطنیه، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم.

مهمترین کلیساهای ارتودوکس عبارتند از:

- ۱) اسقف‌نشین قسطنطنیه: پس از روم دارای بیشترین نفوذ بود و هنوز دارای عنوان «اسقف اعظم جهان» می‌باشد. این اسقف‌نشین از سال ۱۴۵۳ که قسطنطنیه به دست ترکها افتاد، زیر نفوذ آنها قرار گرفت. در حال حاضر حدود صد هزار عضو، تابع آن هستند.
- ۲) اسقف‌نشین اسکندریه: این اسقف‌نشین، به خاطر تفرقهٔ متوفیزیتهای و نیز حملهٔ اعراب، موقعیت خود را از دست داد و اکنون حدود دویست هزار نفر عضو دارد که بیشترشان یونانی هستند.
- ۳) اسقف‌نشین انطاکیه: این اسقف‌نشین زمانی از توسعهٔ بسیار برخوردار بود اما به تدریج از قدرتش کاسته شد. در حال حاضر حدود دویست و پنجاه هزار نفر پیرو این اسقف‌نشین هستند که مرکزش در دمشق می‌باشد.
- ۴) اسقف‌نشین اورشلیم: انحطاط این اسقف‌نشین به دلایل متعدد بیش از بقیه بوده و اکنون فقط دارای سی و پنج هزار عضو از فلسطینی‌های عرب زبان است.
- ۵) کلیسای روس: تأسیس این کلیسا در سال ۹۸۸ در زمان دوک ولادیمیر و توسط مبشرین یونانی انجام گرفت. با سقوط قسطنطنیه، این کلیسا استقلال خود را اعلام و خود را «روم سوم» شناخت. روابط استقمان اعظم با تزارها، گاهی تیره می‌شد اما پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، این کلیسا بیشترین لطمه‌ها را دید. در طی جنگ جهانی دوم، اوضاع این کلیسا به حال عادی بازگشت تا بالاخره پس از فروپاشی کمونیسم در شوروی، اکنون این کلیسا به سرعت در حال بازسازی و کسب قدرت سابق خود می‌باشد.
- ۶) کلیسای بلغاری: مسیحیت قبل از روسیه در بلغارستان و توسط «سیریل» و «متودئوس» رواج پیدا کرد.
- ۷) کلیسای صربی: در قرون وسطی، مبشرین یونانی و رومی، مسیحیت را به صربستان بردند و اسقف‌نشین آن در سال ۱۳۵۱ تأسیس، بعدها به دست ترکها منحل و بالاخره در سال ۱۸۷۸ مجدداً ایجاد گردید.
- ۸) کلیسای رومانی: مسیحیت در شکل لاتینی خود در اوائل قرن سوم به رومانی راه یافت، لیکن آداب دینی بیزانسی در آغاز قرون وسطی به آنجا رسید. اسقف‌نشین مستقل کلیسای رومانی در سال ۱۹۲۵ تأسیس شد.
- ۹) کلیسای یونانی: روایات کلیسای یونانی به دورهٔ رسولان بازمی‌گردد. این کلیسا در قرن چهارم تابع ایالتی که وابسته به اسقف‌نشین روم بود گردید. اما در قرن هشتم و به دست امپراتور لئو، تحت کنترل اسقف‌نشین قسطنطنیه درآمد. بعد از جنگهای آزادی خواهانهٔ یونان، استقلال این کلیسا نیز در سال ۱۸۳۳ رسمی و در ۱۹۲۳ تقویت یافت.
- ۱۰) دیگر کلیساهای ارتودوکس: پس از جنگ جهانی اول کلیساهای ارتودوکس فنلاند، استونی، لتونی، لیتوانی، لهستان و چکسلواکی، استقلال داخلی یافتند. ولی فنلاند و چکسلواکی، اخیراً پیرو قسطنطنیه شدند.

#### ۲- مشخصات کلیسای ارتودوکس

همانگونه که از اسم «ارتودوکس» (راست دین یا تعلیم صحیح) پیداست، این کلیسا خود را حافظ سنت اصولی و حقیقی کلیسای قدیم می‌داند. الهیدانان گاهی این کلیسا را به عنوان «کلیسای یوحنا» تعبیر می‌کنند. قوانین مذهبی ارتودوکس (بر خلاف کاتولیک) رسماً در تمام جزئیات و به تفصیل تدوین نشده. عبادت و بخصوص مراسم عشاء رتانی که پل ارتباطی میان دنیا و آخرت محسوب می‌شود، نقطهٔ اوج این کلیساست. از تعالیم دیگر می‌توان از اینها نام برد: تبدیل نان و شراب در عشاء رتانی، تأثیر دعا برای مردگان، احترام به حضرت مریم و سایر مقدسین.

### ۳- اصول اعتقادی

منابع و مآخذ اصول اعتقادی ارتودوکس عبارتند از: کتاب مقدس و سنت. معیارهای اعتقادی، از این قرارند: (۱) اعتقادنامه نیکیه-تسطنطنیه. (۲) تعاریف اعتقادی هفت شورای کلیسای جهانی. چهره واقعی الهیات ارتودوکس مخلوطی است از مفاهیم کتاب مقدس با عقاید نوافلاطونی درباره خدا. اصل تثلیث، هسته مرکزی الهیات ارتودوکس است و اقامت ثلاثه بطور مکرر در آئین عشاء ربانی مورد پرستش قرار می‌گیرند. بر اتحاد دو طبیعت الهی-انسانی در یک شخص یعنی عیسی مسیح تأکید بسیار وجود دارد. علاوه بر توجه به مقام و دسته‌های فرشتگان، انسان و سقوط او در گناه و نجاتش توسط آمدن مسیح، مورد نظر می‌باشد. ارتودوکسها در مورد مریم مادر مسیح از القاب «مادر خدا» و «همیشه باکره» استفاده می‌کنند، اما همه او را مصون از گناه نمی‌دانند چون معتقدند که این صفت فقط مخصوص مسیح است. جشن صعود مریم به آسمان، از قرن پنجم در این کلیسا رسم شد و از شرق به غرب سرایت کرد. در مورد پذیرش یا عدم پذیرش فیض خدا، به آزادی اراده انسان معتقدند. ایمان و عمل، هر دو باعث عادل شمرده می‌شوند. کلیسا شامل تمام کسانی است که با مسیح هستند؛ چه در آسمان و چه بر زمین. برای کلیسای روی زمین، هم روحانیان و هم افراد غیر روحانی ضروری هستند. وجود اسقف دارای تسلسل رسولانی برای کلیسا لازم است. تمام کلیسا مصون از خطاست، نه فقط اسقفان. آخرت شناسی جای ویژه‌ای در این کلیسا دارد.

### ۴- آئین‌های مقدس

یوحنا دمشقی فقط تعمید و عشاء ربانی را آئینهای مقدس می‌دانست. اما بعد از شورای لیون (۱۲۷۴) این هفت آئین مقدس، پذیرفته شدند:

- الف) تعمید: نتیجه آن تولد تازه است و در طی آن، شیطان از شخص طرد می‌شود.
- ب) تأیید: بلافاصله پس از تعمید از روحانی شامل ۳۰ ماده انجام می‌گیرد و اعطای موهبت‌های روح القدس را نشان می‌دهد.
- ج) توبه یا اعتراف: پیش از پذیرش شخص برای عشاء ربانی باید این عمل صورت پذیرد و ترکیبی است از دعا و توسل.
- د) عشاء ربانی: در این آئین به تبدیل نان و شراب معتقدند و از نان فطیر استفاده می‌گردد. کودکان هم می‌توانند در آن سهیم باشند.
- ه) دستگذاری: سه مقام شماس، کشیش و اسقف دستگذاری می‌شوند. کشیشان می‌توانند از دواج کنند.
- و) ازدواج: سزای عظیم از مسیح و کلیسایش محسوب می‌شود.
- ز) تذهین: برای سالخوردگان و ناتوانان مقرر شده است.

### ۵- عبادت

ساختمان کلیسا دارای سه قسمت است: مدخل، صحن کلیسا و سکوی وعظ. تماثلاً نقش مهمی در عبادت دارند. نقاشی، مجاز ولی استفاده از مجسمه‌ها ممنوع است. عبادت به زبانهای محلی و بومی برگزار می‌شود. عشاء ربانی دارای تشریفات خاصی است و سه شکل گوناگون دارد: عشاء ربانی «یوحنا فم‌الذهب» که نمایشگر عشاء ربانی تسطنطنیه در قرن هشتم است. عشاء ربانی «باسیل مقدس» که از قرار معلوم از قرن چهارم شروع شده و در روزهای خاصی برگزار می‌شود. شکل سوم مربوط است به «پاپ گریگوری کبیر» و تنها در هفته مقدس و دوره انابت برگزار می‌گردد. دعا برای همه انجام می‌پذیرد و همراه با سرودها و تهلیل‌ها است.

### ۶- اساسنامه

در کلیسای ارتودوکس سه منصب روحانی وجود دارد: اسقف - کشیش - شماس. علاوه بر این، افراد غیر روحانی نیز دارای اهمیت و نقش خاصی هستند. مرجع عالی کلیسای ارتودوکس، شورای جهانی است که مجمعی است از اسقف‌های تمام کلیساهای ارتودوکس.

### ۷- رهبانیت

رهبانیت، از کلیسای شرقی سرچشمه گرفته و «آنتونی مقدس» که در مصر زندگی می‌کرد پدر راهبان شناخته می‌شود. ارتباط مستحکم رهبانیت با زندگی کلیسایی، در اثر اصلاحات عمیقی که بوسیله «باسیل مقدس» صورت گرفت، از قرن چهارم به بعد برقرار گردید. باسیل مقدس، رهبانیت در میان اجتماع را که تابع مقررات خاصی بود، جایگزین انزوا طلبی و گوشه‌گیری کرد. مهمترین مرکز رهبانی دبری بود که در سال ۹۶۳ در شبه جزیره «آتوس» بنا گردید.

### ضمیمه: فرقه‌های روسی

روسیه یکی از کشورهایی است که بزرگترین رقم فرقه‌های مذهبی را داراست. در گذشته پیروان مسیحیت در روسیه، جفاهای سختی را متحمل می‌شدند و همین امر موجب رشد آنها شد و به آنها روحیه انقلابی داد. این فرقه‌ها را می‌توان در سه گروه عمده به عنوان سه فرقه اصلی مورد بررسی قرار داد:

۱- مؤهین قدیمی: منشاء این فرقه به قرن هفدهم باز می‌گردد در آن زمان بخاطر اصلاحاتی که اسقف اعظم «نیکون» در آئین‌های



کلیسا بوجود آورد، مخالفت شدیدی برانگیخته شد و مخالفین خود را «مؤمنین قدیمی» نامیدند. استفاده از زور نیز نتوانست آنها را به کلیسای دولتی بازگرداند، بلکه بر عکس موجب شهرت و استحکام آنها گردید. بعدها این کلیسا به دو بخش کشیش دار و فاقد کشیش تقسیم شد. تنها یک اسقف به جمعیت مؤمنین قدیمی پیوست که او هم در زندان از دنیا رفت. هر دو جناح این فرقه، بزودی کلیه آئین‌های دینی بجز تعمید را ترک کردند. گروهی هم که به «فرقه قاتلین کودکان» معروف شدند، رسم ازدواج را به کلی منسوخ کردند و کودکان را به قتل می‌رساندند. گروه دیگر، علیه انجام وظایف نسبت به حکومت قیام کردند و در نتیجه محکوم به اعدام شدند.

۶ - مسیحیان روحانی: این نام بر گروهی از فرقه‌های عرفانی مسلک اطلاق می‌شود. این مردم متعصب، هم کلیسا و هم حکومت را مردود شناختند و ریاضت شدیدشان شباهت کاملی به «ناستیک‌ها» و مانوی‌های قدیم دارد. آنها به دو گروه اصلی «شلاق زنان» و «اخته شدگان» تقسیم می‌شوند. فرقه شلاق زنان در قرن هفدهم توسط یک دهقان به اسم «دانیلا» که ادعا می‌کرد خداست و از آسمان به زمین آمده، تأسیس شد. این فرقه در سراسر روسیه و سیبری گسترش پیدا کرد. آنها منکر ازدواج بودند و از خوردن گوشت، سیب‌زمینی و پیاز اجتناب می‌کردند. آنها در جلساتشان برای رسیدن به نشئه، رقص‌هایی می‌کنند و همانگونه که از نامشان پیداست با شلاق زدن به خود، در این کار تمرین می‌نمایند. تشنجات و بکار بردن کلمات بی‌معنی بعنوان نشانه‌هایی از روح‌القدس تلقی می‌شوند. افراطی‌تر از اینها در ریاضت، پیروان فرقه «اسکوپت‌ها» هستند که به معنای اخته شدگان است. عنوانی که آنها برای خودشان انتخاب کرده‌اند عبارتست از «گوسفندان سفید» یا «برادران مسیح». مؤسس این فرقه مردی بود روستایی بنام «سلیوواف» که در سال ۱۷۷۰ خود را به گمان اطاعت از مضمون متی ۱۹: ۱۲ با آهن گذاخته‌ای اخته کرد. این عمل نسبت به پیروان او تکرار شد. خود او دستگیر و به مدت ۱۹ سال در صربستان در حال تبعید بسر برد و بعد به تیمارستان انتقال یافت. او پس از آزادی و در اوج نفوذش توانست گروه کثیری از توده مردم را افسون کند.

۳ - پیروان انجیل: این گروه تحت نفوذ مهاجرین دهقان آلمانی به جنوب روسیه و عقاید لوتری آنها بوجود آمد. از حدود سال ۱۸۶۰ یک جنبش احیاءگر مذهبی در نتیجه تشکیل جلسات مذهبی این مردم بوجود آمد که به مناسبت کلمه آلمانی «استوند» به معنای ساعت یا ساعات تعیین شده برای قرائت انجیل، به «استوندیسم» معروف شدند.

### دیگر کلیساهای شرقی

این کلیساهما به دلایل اعتقادی و سیاسی از کلیسای امپراتوری بیژانس جدا شدند و دارای استقلال داخلی هستند. کتب عبادتی آنها عموماً به زبان بومی مخصوص به خودشان تهیه شده است. این کلیساهما را می‌توان به سه طریق تقسیم بندی کرد: (۱) از نظر آئین‌های دینی (ارمنی، نستوری، انطاکیه‌ای و قبطی). (۲) از نظر اصول اعتقادی (متوفیزیت و دیوفیزیت). (۳) از نظر زبانی که در آداب دینی آنها بکار می‌رود (ارمنی، قبطی، حبشی، سریانی و عربی).

کلیسای آرامنه: در حدود قرن پنجم، متوفیزیت شد و در اواسط قرن ششم از کلیسای بیژانس جدا گردید. مرکز در «اچمیادزین» ارمنستان و تحت ریاست عالی «کاتولیکوس» می‌باشد. زبان رسمی این کلیسا ارمنی است و آئین‌های آن کاملاً با آئین‌های کلیسای ارتودوکس مطابقت دارد.

کلیسای شرقی آشوری یا سریانی: این کلیسا در طول تاریخ و از نظر اصول اعتقادی، به عنوان نستوری معرفی شده است. اما باید توجه داشت که همه عقاید نستوریوس مورد تأیید این کلیسا نبوده و نمی‌باشند. ریشه این کلیسا به کلیسای فارس در ایران قدیم بازمی‌گردد و کلیسای بسیار فعال و بشارتی بخصوص در آسیای مرکزی، هند و چین بوده است. این کلیسا در قرن سیزدهم شامل ۲۵ سراسقف‌نشین و بیش از ۲۰۰ اسقف‌نشین و میلیونها پیرو بوده است. آنها از بکار بردن تمثالها خودداری می‌کنند و ترتیب داخلی آنها بسیار ساده است.

کلیسای یعقوبی سوریه: این کلیسا بنام بنیانگذارش «راهب یعقوب بار ادای» نامیده شد و از نظر اعتقادی متوفیزیت است. ریاست آن با پاتریارک انطاکیه می‌باشد. در قرن هفدهم، اکثر پیروان کلیسای «مار توما» در هندوستان (که تأسیسش به زمان تومای رسول و بعد از آن به اقدامات مبشرین نستوری باز می‌گردد) به کلیسای یعقوبی متوفیزیت پیوستند.

کلیسای قبطی: کلیسای قدیمی مصر است که با رد شورای کالسدون، به کلیسای متوفیزیت تبدیل گردید. زبان دینی این کلیسا (قبطی)، کاملاً برای مردم غیر قابل درک است به همین خاطر برخی دروس و دعاها به زبان عربی است.

کلیسای آنتیوی: در نیمه قرن چهارم به یک کلیسای ملی تبدیل شد و عادات و رسوم و زندگی روحانی مسیحیان حبشه، دارای گرایشات یهودی است. تعدد زوجات از نظر این کلیسا جایز است.

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه چهارم - کلیسای لوتری

#### ۱- عنوان، انشعابات و آمار

به هنگام آغاز نهضت اصلاحات کلیسا، هدف لوتر این نبود که کلیسای جدیدی تأسیس کند. نام «لوتری‌ها» که در اصل از سوی مخالفان او انتخاب شد، بعدها توسط پیروان وی که خود را «وابسته به لوتر» نامیدند، به ویژه بعد از سال ۱۵۳۰ پذیرفته شد. لوتریها در ابتدا ترجیح می‌دادند که خود را فقط «کلیسای انجیلی» بنامند، اما بعد بخصوص برای تأکید بر اینکه از پیروان کالوین و «کلیسای اصلاح شده» متمایز هستند، عنوان «کلیسای لوتری» را بر خود گرفتند. در قرون ۱۹ و ۲۰، عناوین «انجیلی» و «پروتستان» (به معنی اعتراض‌گر) به عنوان تعبیر مشترکی از هر دو نام «لوتری» و «اصلاح شده» بکار رفته است و حتی گاهی شامل گروه‌های غیر سنتی انگلیکان هم شده است.

«لوترانیسم» از زادگاه خود در ساکسونی آلمان، به مناطق وسیعی شامل سراسر آلمان، کشورهای اسکاندیناوی، برخی مناطق اروپای شرقی، آمریکا و سایر نقاط جهان گسترش یافت. البته به جز کشورهای اسکاندیناوی که دارای لوترانیسم خاص خود هستند، در اکثر مناطق بخصوص در اروپای مرکزی، لوترانیسم با عقاید کلیساهای اصلاح شده در هم آمیخته است. کلیسای لوتری در اثر فعالیتهای بشارتی توانسته است در چین، هند، ماداگاسکار و مخصوصاً در اندونزی، پیروان بسیاری داشته باشد.

بین کلیساهای لوتری تفاوت‌های آشکاری وجود دارد. علاوه بر مسئله ارتباط با حکومت، یک نظام کلیسایی مشخص نیز که مورد پذیرش همگان باشد نیز هرگز به وجود نیامده است. نظام اسقفی نیز در بین بعضی لوتریها پذیرفته شده است و برخی دیگر آن را قبول ندارند. ایمان عمومی و اعتقادات قطعی، تنها عامل پیوند لوتریها به هم هستند.

#### ۲- ویژگی‌های کلیسای لوتری

۱) نمایانگر «راه میانه»: کلیسای لوتری هم مانند کلیسای انگلیکان، خود را در بین کاتولیکها و ارتودوکسهای سنتی از یک سو، و پروتستانهای افراطی از سوی دیگر، میانه رو می‌داند. لوتر در مقابل تندروهای جناح چپ، به دفاع از تقید نسبت به کلام خدا می‌پرداخت.

۲) تأکید بر تقدّم اصول اعتقادی نسبت به رسوم و ظواهر: برای مثال، تأکید لوتر بر تعلیم و مفهوم عشاء ربانی بود، نه بر شکل آن. ۳) منابع تعلیمی آن بر کتابمقدس، نظریات تعلیمی لوتر و اعتقادنامه‌ها است: سه گروه فوق، اصول پایه عقاید لوتری را تشکیل می‌دهند. کتابمقدس با توجه به پاکدینی، تفسیر ادبی می‌شود. در کمتر وعظی ممکن است از لوتر و آثار او نقل قول نشود.

۴) داشتن نگرش خاصی نسبت به کتابمقدس: به نظر لوتر، کلیت بخشهای کتابمقدس دارای مأخذیت یکسان نمی‌باشند. در لوترانیسم، خواهان یک هماهنگی واقعی با مفاهیم انجیلی اصیل درباره نجات هستند، نه هماهنگی با متن مشخصی از کتابمقدس.

۵) «نجات به وسیله ایمان» مشخصه تعلیم لوتری است: در این کلیسا، «نجات به وسیله ایمان» اصلی است که بر اساس آن، کلیسا می‌ایستد و یا سقوط می‌کند. آموزش گناهان فقط از فیض خدا و توسط ایمان انسان (و نه اعمال) نصیب او می‌شود.

۶) تأکید بر تقدیس، شریعت و اصول اخلاقی: زندگی و عمل مسیحی هرچند باعث نجات نمی‌شود، اما برای پاکي و تقدیس روزمره هر ایماندار و کمال او لازم است.

۷) عدم امکان برقراری ملکوت خدا بر زمین و در این دنیا: کلیساهای لوتری به اصلاح ناپذیری این جهان معتقدند و «سلطنت هزار ساله» نیز به عنوان یک ایده یهودی، رد شده است. پس حل مسائل اجتماعی مردم به عهده کلیسا نیست. وظیفه کلیسا این است که مردم را برای آموزش گناهانشان تسلی دهد و مؤمنان را برای حیات ابدی آماده سازد. به همین دلیل، حق دخالت در حکومت و قانونگذاری ندارد. ۸) توجه به ازدواج و مخالفت با رهبانیت: این کلیسا دید مثبتی هم نسبت به ارزشهای جهان و از جمله مسئله ازدواج دارد. هر انسانی باید خدا را در زندگی خانوادگی و شغل دنیوی خود، عبادت کند.

۹) هم به تعلیم کلام معتقد است و هم به اجرای صحیح آیین‌ها: در این مورد هم این کلیسا به راه میانه می‌رود؛ یعنی هم مانند کلیساهای سنتی به مراسم و تشریفات توجه دارد و هم مانند کلیساهای تندرو، به موعظه و تعلیم، تعمید و عشاء، تنها آیین‌های مقدس به شمار می‌آیند. کودک باید قبل از هفت سالگی تعمید گیرد و عشاء ربانی نیز به صورت زانو زده دریافت می‌شود.

۱۰) از نظر سازمان کلیسا، تقویم کلیسایی و لباسهای رسمی روحانیون، محافظه کارتر است: این امر یکی از تفاوت‌های کلیساهای لوتری و اصلاح شده است. اعیاد و ایام و یکشنبه‌ها مطابق تقویم کلیسایی رعایت می‌شوند.

۱۱) در مورد شکل خاصی از نظام کلیسایی اصرار ندارد و همه مؤمنین دارای مقام کهنات هستند: هر جا که مسیح موضوع وعظ قرار گیرد، همانجا کلیسا است. کلیسا از میان جماعت مؤمنین که همه کاهن هستند، بعضی را به عنوان خادم و واعظ منصوب می‌کند.

### ۳- اعتقاداتها

نظام هماهنگ اعتقاداتها لوتری که «فرمول کنکورده» نامیده می‌شود و در سال ۱۵۷۷ تکمیل گردید، به این منابع به عنوان خلاصه اصول تعلیمی این کلیسا باز می‌گردد: ۱) سه اعتقادنامه عمومی یا کاتولیک. ۲) اعترافنامه آگسبورگ (نسخه اصلی سال ۱۵۳۰، تدوین شده توسط ملانکتون و معتبرترین بیانیه تعلیمی کلیسای لوتری). ۳) متمم یا دفاعیه اعترافنامه آگسبورگ (یک رساله الهیاتی در اثبات کلیت جزییات مورد بحث در اعترافنامه آگسبورگ). ۴) اصول شمالکالدیک (از نام اتحاد شاهزادگان لوتری شمالکالدیک گرفته شده و در سال ۱۵۳۶ توسط لوتر تنظیم و دارای حالت ضد کاتولیکی است). ۵) کتاب سؤال و جواب مختصر و مفصل لوتر (قدیمی‌ترین منابع تعلیمی لوتری هستند که در سال ۱۵۲۹ برای آموزش اصول ایمان مسیحی به کودکان و جوانان تهیه شدند).

### ۴- اصول تعلیمی

مشخص‌ترین مسائل تعلیمی کلیسای لوتری عبارتند از:

۱) عادل شمردگی به وسیله ایمان. ۲) آزادی اخلاقی اراده و رفتار انسان. ۳) تأثیر گناه اولیه در فساد کامل طبیعت انسان. ۴) اعتقاد به آگاهی قبلی خدا ولی رد تقدیر و سرنوشت. ۵) کفاره شدن گناهان انسان به وسیله تجسم، عذاب و مرگ مسیح و پیروی از نظر آنسلم قدیس مینی بر کفاره نیابتی مسیح. ۶) حضور حقیقی مسیح در عشاء ربانی. ۷) تفکیک ناپذیری طبیعت الهی-انسانی مسیح.

### ۵- عبادت

عبادت یکشنبه‌ها در کلیسای لوتری بر اساس عشاء ربانی کلیسای کاتولیک رومی است؛ با این تغییرات مهم:

۱- آیات و دعاهای مربوط به قربانی حذف شدند، چون بر حضور مسیح در عشاء تأکید هست؛ نه بر مفهوم قربانی.

۲- عبادت خدا به زبانهای بومی تجویز شد.

۳- موعظه بخش کاملی از عبادت به شمار آمد.

۴- سرودخوانی به صورت دسته جمعی، قسمت مهمی از عبادت به حساب آمده است.

۵- ضرورتی ندارد که کلیه کلیساهای تأسیسی آنها، دارای شکل خاص عشاء ربانی و نظم عبادت باشند.

### گسترش‌های اخیر

۱) کلیساهای لوتری به تدریج موقعیت فراگیر و ملی خود را از دست دادند. از قرن نوزدهم به بعد، آزادی مذهبی افزایش یافت و فعالیت سایر کلیساهای هم مجاز شناخته شد. اختلاط این کلیسا با دیگر کلیساهای نیز بیشتر شد.

۲) حکومتها و قوانین دنیوی، صرفاً حالت مادی به خود گرفتند. کلیسا که زمانی به امور دنیوی بی‌اعتنا بود، در مقابله با استبداد حکومتها بی‌اعتقاد به اخلاقیات، به پا خاست و مبارزه کرد.

۳) گرایش جدید برای انتخابی شدن مقامات روحانی انتصابی به وجود آمد. از دوره اصلاحات، در هر کشور، حاکم آن ریاست عالی شورای کلیسایی را به عهده داشت و در انتصاب روحانیون دخالت می‌کرد. اما در قرون ۱۹ و ۲۰ گرایش به ایجاد شوراهای مستقل و انتخاب مقامات روحانی توسط کلیسا و اعضای آن غالب شده است.

۴) کارهای بشارتی مد نظر قرار گرفتند و انجمنهایی تشکیل شد. یافت اولیه کلیسا فاقد توجه لازم به مسائل بشارتی بود. این گرایش، بعد از سال ۱۷۳۰ و با به وجود آمدن اجتماعات مراوینها آغاز شد و به تأسیس انجمنهای بشارتی انجامید.

۵) با ظهور الهیات جدید و الهیدانان تازه، نئولوترانیسم به وجود آمد. نئوپروتستانتیسم لیبرال در واقع از آلمان قرن هیجدهم برخاست و توسط الهیدانان برجسته به تمام جهان مسیحیت کشانده شد. از سوی دیگر لوترانیسم محافظه کار نیز به وجود آمد و قدرت یافت.

۶) در عبادت و کتب مربوط به آن، اصلاحاتی به عمل آمد. در کشورهای مختلف و بنا به ضرورت، اصلاحاتی در عبادت‌نامه‌ها داده شد.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - فصل هشتم)

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه پنجم - کلیساهای اصلاح شده

#### ۱- عنوان، انشعابات و آمار

نام رسمی این کلیسا که از اصلاحات «جان کالوین» (۱۵۶۴-۱۵۰۹) به وجود آمده، «کلیسای اصلاح شده» می‌باشد، اما این کلیسا در کشورهای انگلیسی زبان، به خاطر نظام کلیسایی‌اش، معمولاً به عنوان «کلیسای پروتستانی» شناخته شده است. در ابتدا، این عنوان «اصلاح شده» برای هر دو گروه لوتری و کالوینیست به کار می‌رفت، اما از آغاز قرن هفدهم و برای مثال در «عهدنامه وستفالیه»، عنوان «اصلاح طلبان آزاد» فقط مختص پیروان کالوین بود. «کلیساهای اصلاح شده» از یکدیگر مستقل هستند و دارای اعتقادنامه مشترکی نمی‌باشند، با این حال، یک اتحاد روحانی را با هم تشکیل می‌دهند. پیروان این کلیسا در زادگاهش سوئیس، حدود نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. نیمی از اقلیت پروتستان فرانسه را نیز، کلیساهای اصلاح شده تشکیل می‌دهند. حدود نیمی از هلندیها هم به کلیسای اصلاح شده تعلق دارند و در آلمان و چکسلواکی نیز، این کلیسا میلیونها پیرو دارد. اسکاتلند تنها کشوری است که اکثریت عمده مردم آن عضو کلیسای اصلاح شده پروتستانی هستند. این کلیسا در مجارستان، اتریش، لهستان، رومانی، انگلستان و ایرلند هم پیروانی دارد. در آمریکا کلیساهای پروتستانی مختلف با ویژگی‌های گوناگون وجود دارند. این کلیسا در استرالیا، آفریقای جنوبی و بخصوص در کره جنوبی، رشد چشمگیری داشته و در کره، کلیسای چند میلیونی پروتستانی فعال و بیدار، به پیشرفت چشمگیر خود ادامه می‌دهد.

#### ۲- ویژگی‌های کلیسای اصلاح شده

کلیسای اصلاح شده هم مانند کلیسای لوتری، در رده کلیساهای پروتستان است. اما ویژگی‌های مختص به خود را دارا می‌باشد:

- ۱) اعتقاد کامل به مأخذ بودن کتابمقدس: بر خلاف لوتر، دیدگاه کالوین نسبت به کتابمقدس به گونه‌ای است که او معتقد است باید از محتویات کتابمقدس، بدون چون و چرا اطاعت نمود. در کلیسای اصلاح شده، عهد جدید به عنوان معیاری برای تأسیس کلیسا پذیرفته شده و مسئلهٔ چگونگی نظام کلیسایی، از اهمیتی همپا به با اعتقادات تظمی ایمان، برخوردار است. در این کلیسا و بخصوص در «اعتقادنامه وستمنستر»، فقط کتب قانونی عهد عتیق مورد قبول هستند و کتب اپوکریفا، رد شده‌اند.
- ۲) نجات، فقط به وسیلهٔ ایمان است، اما با تأکید بر اعمال و بشارت: در الهیات کلیسای اصلاح شده، علاوه بر ایمان به عنوان تنها وسیلهٔ کسب فیض خدا در نجات، بر اعمال و زندگی فعالانه مسیحی هم تأکید شده است. بر خلاف کلیسای لوتری، این کلیسا در پی استقرار ملکوت خدا بر زمین است و مایل است در این جهت، بر همهٔ جنبه‌های زندگی بشری، مؤثر باشد.
- ۳) تأکید بر شکل خاص نظام کلیسایی، و مخالفت با دخالت حکومت‌های دنیوی در کلیسا: کلیسای اصلاح شده به تفاوت میان کلیسای مرئی و کلیسای نامرئی واقف است، اما عقیده دارد که کلیسای حقیقی و نامرئی، در کلیسای مرئی آشکار می‌شود. پس لازم است که کلیسای مرئی هم دقیقاً بر دستورات عهد جدید در مورد نظام کلیسایی بنا شود. این کلیسا نسبت به هر نوع مداخلهٔ دولتی در این امور، حساسیت نشان می‌دهد.

#### ۳- اعتقادنامه‌ها

در کلیساهای اصلاح شده، اعتقادنامه‌ها هرگز نقش اساسی و کلیدی نداشته‌اند و این کلیساها، دارای سند اعتقادی مشترکی نمی‌باشند. این امر شاید به دلیل مأخذیت مطلق کتابمقدس در این کلیسا باشد. همهٔ کلیساهای اصلاح شده، سه اعتقادنامهٔ اولیهٔ کاتولیک (شامل اعتقادنامه‌های رسولان، نقیبه و آتاناسیوس) را قبول دارند. در اینجا به اعتقادنامه‌های مهم که توسط کلیساهای اصلاح شده در کشورهای مختلف تدوین شده‌اند، اشاره می‌شود:

- (۱) در سوئیس، «موافقت‌نامهٔ نیگورینوس» (۱۵۴۹) نتیجهٔ توافق میان کالوینیست‌ها و پیروان زوینگلی و غلبهٔ اصول تعلیمی گروه اول بر دوم است. «اعتقادنامهٔ بعدی سوئیس» نیز یک اثر شخصی است که توسط «هنریش بولینگر» گردآوری شد و در سال ۱۵۶۶ به عنوان اظهارنامهٔ رسمی در کلیهٔ بخشهای اصلاح شدهٔ سوئیس، پذیرفته شد. از این دو قدیمی‌تر، «اعتقادنامهٔ قبلی باسیلیئیس» (۱۵۳۴) است که در آن، تعلیم زوینگلی در مورد عشاء ربانی رد شده و حضور مسیح در عشاء برای همهٔ ایمانداران، مورد تأکید قرار گرفته است.
- (۲) در فرانسه، کلیسای اصلاح شده در یک شورای عمومی که در ۱۵۵۹ در «سن ژرمن» برگزار شد، به اعتراف ایمانی خود رسمیت بخشید و آن را «اعتقادنامهٔ گالیکان» نامید. پیش‌نویس این سند به دست خود کالوین نوشته شد. در خلال جنگ‌های مذهبی که در پی تدوین این سند

پیش آمد، این سند تنها وسیله برای متحد ساختن پروتستانهای فرانسوی بود و هنوز هم سند اعتقادی کلیسای اصلاح شده فرانسه می باشد. (۳) در آلمان، یک اعتقادنامه اصلاح شده در «کتاب سؤال و جواب مذهبی هایدلبرگ» در سال ۱۵۶۳ ارائه گردید. این کتاب، حالتی آشتی پذیر در برابر لوتریها و آهنگی جدال آمیز در مقابل کاتولیکها دارد. این کتاب، در سوئیس، مجارستان و لهستان، بطور گسترده ای مورد پذیرش و استفاده قرار گرفته است.

(۴) در هلند، یک اعتقادنامه اصلاح شده را که در ۱۵۶۶ در «آنتورپ» توسط یک شورای مذهبی تدوین شده بود و «اعترافنامه بلژیک» نام داشت، پذیرفتند. این سند اعتقادی، آخرین سند قاره اروپا از این نوع است که در خلال دوره اصلاحات تدوین شده است. در سال ۱۶۱۸، کلیسای اصلاح شده هلند در مقابل اعتراض پیروان «آرمینیوس» در مورد مسئله تقدیر، شورای «دورت» را تشکیل داد. این مشاجره بر سر تقدیر و برگزیدگی و آزادی اراده انسان، بزرگترین جدال تعلیمی در تاریخ کلیسای اصلاح شده به شمار می رود. پس از پایان شورا، حدود ۲۰۰ تن از کشیشان و الهیدانان طرفدار آرمینیوس طرد شدند، اما به هر حال در قرتهای بعد، مکتب آرمینیوس در بعضی فرقه های کلیسای اصلاح شده و بخصوص در کلیسای انگلیکان و توسط «جان وسلی» و متدیستها، رشد پیدا کرد.

(۵) در انگلستان، به اصول تعلیمی کلیسای اصلاح شده تحت عنوان «اعتقادنامه اسکاتلند» (۱۵۶۰) و «اعتقادنامه وستمنستر» (۱۶۴۴) پرداختند. «اعتقادنامه اسکاتلند»، یک سند معتدل کالوینیستی است. برای تشخیص حقانیت کلیسا، سه امر وجود دارد: یک) موعظه واقعی کلام خدا؛ دو) اجرای صحیح آیین های مذهبی؛ سه) تأکید بر رعایت نظم روحانی. «اعتقادنامه وستمنستر» در طی جنگ داخلی انگلستان تهیه شد و معیار تعلیمی کلیساهای پروتستانی در بریتانیا و آمریکا گردید.

#### ۴- اصول تعلیمی

موضوع برجسته در اصول تعلیمی و عقاید کلیسای اصلاح شده عبارت است از تأکید بر سلطنت با عظمت خدا و جلال او. این را می توان حتی در موعظها و سرودهای این کلیسا مشاهده نمود. کالوینیسم مکتبی است که خدا را مرکز الهیات خود قرار می دهد؛ نه انسان را. مکرراً درباره عظمت خدا و لزوم تعظیم انسان در مقابل او اشاره شده است. تعالیم مربوط به تقدیر و برگزیدگی، در جهت جلال خدا و احترام به اراده اوست و آزادی اراده انسان هم به همان محدود می شود.

بحث مهم دیگر در عقاید این کلیسا، در مورد آیین های مذهبی است. کلیسای اصلاح شده، نمی پذیرد که تولد تازه نتیجه تعمید می باشد اما تعمید کودکان زیر هفت سال، به عنوان «قرار گرفتن در مسیح» و پذیرش آنان در کلیسا، مورد قبول است. در مورد عشاء ربانی، الهیدانان کلیسای اصلاح شده راه میانه ای بین نظر زوینگلی و نظر لوتر اتخاذ کرده اند و در این آیین، به حضور روحانی مسیح تنها برای ایمانداران اعتقاد دارند.

#### ۵- اساسنامه ها

نظام پروتستانی از جنبه های خاص کلیساهای اصلاح شده است. از نظر این کلیسا، در عهد جدید، اسقفها و پروتستانتها دارای مقام یکسان هستند و با هم، گروهی روحانی را تشکیل می دهند که مسئول موعظه کلام و اجرای صحیح آیین های مقدس است. کشیش، در چارچوب نظام کلیسایی و توسط جماعت برگزیده می شود. پروتستانتها (مشایخ) یا رهبران، از موقعیت خاصی در اداره امور روحانی کلیسا برخوردارند و از سوی جماعت برگزیده می شوند و تا آخر عمر دارای همین منصب هستند. خدام یا شماسان، مسئولیت امور دنیوی و توجه به مستمندان را دارند. اساسنامه کلیساهای اصلاح شده بر اساس نظام شورایی قرار دارد. کلیسای محلی توسط شورای مشایخ یا رهبران اداره می شود. کلیساهای یک ناحیه زیر نظر انجمن پروتستانی قرار دارند که بر دستگذاری و انتصاب روحانیون هم نظارت دارد. شورا نیز دارای مقام اسقف در اداره امور کلیساهای یک کشور می باشد. در همه این هیاتها، تعداد روحانیون و رهبران ترجیحاً باید مساوی باشد.

#### ۶- عبادت

سادگی، اصل عبادت در این کلیسا است. در ساختمان کلیساهای اصلاح شده، معمولاً هیچ عکس و صلیبی وجود ندارد (هرچند در بعضی کلیساهای استفاده از صلیب امری عادی است). میز مقدس جایگزین محراب شده و سکوی وعظ و روبروی در ورودی قرار دارد و معمولاً نور زیادی از پنجره های بلند کلیسا وارد آن می شود. هر کس می تواند این برداشت را از ساختمان کلیساهای اصلاح شده داشته باشد که موعظه کلام خدا اختصاص دارند. کشیش در لباس مشکی و بدون ردای سفید یا دیگر لباسهای ویژه مراسم عشاء ربانی، عبادت را برگزار می کند. کلیساهای اصلاح شده اولیه، ترجیح می دادند از آرگ و سرودهای غیر از مزامیر در عبادت خود استفاده نکنند، اما در حال حاضر چنین نیست. در عین حال که خود کالوین علاقه بسیاری به برگزاری هفتگی عشاء ربانی داشت، در حال حاضر عشاء ربانی معمولاً در هر فصل یک بار انجام می پذیرد. قسمتهای اصلی عبادت در این کلیسا عبارتند از: از بروخوانی ده فرمان و اعتقادنامه رسولان، قرائت های طولانی از عهد عتیق و عهد جدید، دعا، موعظه و سرود.

### ضمیمه یک: کلیسای والدنسی

کلیسای والدنسی را بهتر است یک خواهر بزرگ برای کلیسای اصلاح شده بنامیم؛ تا دختر آن. در عین حال که این کلیسا سخت تحت نفوذ سنت اصلاح شده بوده است، تاریخ بی نظیر آن را می توان جداگانه مورد بررسی قرار داد. آغاز کلیسای والدنسی به اقدامات «پیتر والدو» (متوفی ۱۲۱۸) باز می گردد، که از پیشروان نهضت اصلاحات کلیسا شناخته می شود. پیروان والدو که به موعظه کتابمقدس می پرداختند، خود را «فقرای لیون» می نامیدند، ولی به «والدنسی ها» شهرت یافتند. این نهضت از جنوب فرانسه به ایتالیا و آلمان و اسپانیا گسترش یافت. والدنسی ها پس از تحریم شدن از سوی کلیسای کاتولیک، خود را به عنوان یک کلیسای جداگانه سازمان دادند که اصول اساسی آن، فقر و قرائت کتابمقدس بود. کتابمقدس را به زبان بومی ترجمه کردند و علاوه بر رد مقام پاپ، عقاید دیگر کلیسای کاتولیک را هم قبول نداشتند؛ از جمله: اعتقاد به برزخ و برگزاری عشاء ربانی خصوصی برای مردگان. فقط سه آیین تعمید، توبه و عشاء را می پذیرفتند.

هر چند والدنسی ها را پیشگامان پروتستانها محسوب می کنند، اما باید توجه داشت که خصوصیات قرون وسطایی مسیحیت، از قبیل تأکید بر بکارت و روزه، در آنها بیشتر وجود داشت تا تأکید بر فیض و نجات، محض ایمان.

با آغاز اصلاحات کلیسا، والدنسی ها هم پیوند خود را با نهضت جدید احساس کردند و تحت نفوذ ژنو قرار گرفتند؛ بخصوص در شورایی در ۱۵۳۲، واعظان والدنسی از دره های آلپ، لومباردی، پروونس و جنوب ایتالیا، روش کلیسای اصلاح شده را پذیرفتند. اعتقادنامه ایمانی آنها که نمونه ای بود از اعتقادنامه گالیکان، در سال ۱۵۶۰ به دوک تورین اهدا گردید. از این سال به بعد، والدنسی ها بایست شعبه ای مستقل از کلیساهای اصلاح شده به شمار آیند.

هیچیک از دیگر کلیساهای مشابه غربی، دچار شکنجه و عذاب های وارد بر این کلیسا که از زمان قرون وسطی آغاز و تا دوران اصلاحات و سرتاسر قرن هفدهم ادامه داشت، نشد. در نتیجه، والدنسی ها در همه جا منقرض شدند، بجز عده کمی که در دره های آلپ در برابر همه حملات و فشارها، قهرمانانه مقاومت کردند. امروزه کلیسای والدنسی یک سازمان صرفاً ایتالیایی است که اصل آن در دره های آلپ قرار دارد ولی در لومباردی، ژم و حتی سیسیل گسترش یافته است. این کلیسا از طریق مهاجرت و بشارت، در ایالات متحده و آمریکای جنوبی نیز پیروانی دارد.

### ضمیمه دو: پیوریتن ها

نهضت کلیساهای اصلاح شده، زمینه مساعدی برای رشد حرکت های جدید به وجود آورد. این امر، بخصوص از تأکید بر مآخذ بودن کتابمقدس در هر چیز، منشاء می یابد. پیوریتانیسم یک سیستم اعتقادی نیست، بلکه نوعی زهد و تقدس در زندگی روحانی بشمار می آید که بطور خاص در طی قرن شانزدهم در انگلستان پدید آمد. این مکتب، ابتدا در شکل یک اعتراض علیه تعیین لباس های رسمی برای روحانیون و دیگر آداب و رسومی که در مراسم کلیسای انگلیکان وجود داشت، پا گرفت. در اواخر قرن ۱۶، مسئله نظام کلیسایی مطرح شد و گروهی از پیوریتن ها پیرو نظام اسقفی و کتاب عبادت عمومی گشتند و گروهی دیگر به پرزبیتریانیسم و اصلاحات جدی روی آوردند. گروه سوم هم به تشکیل کلیسای متشکل از ایمانداران حقیقی و گرایش به جماعت های کانگریگیشنالیست و باپتیست علاقه مند شدند.

پیوریتن ها از نظر اعتقادی، کالوینیست بودند و بر گناه اولیه، تباهی کامل طبیعت گناه آلود انسانی، نجات و عادل شمردگی تأکید داشتند، اما بیشتر به تعیین روشی خاص برای زندگی تمایل داشتند. آنها می گفتند که ایمان و زندگی انفرادی هر شخص مهم است و باید برای آن پاسخگو باشد، نه لزوماً نظام کلیسایی و یا آیین های مذهبی. فقط کتابمقدس دارای والاترین ارزش است و زندگی منضبط و فعال، اساس این مکتب را تشکیل می دهد. البته پیوریتن ها مانند کاتولیکها، ترک دنیا را راه حلی برای انکار نفس نمی دانند، بلکه پیرو «زهد در زندگی دنیوی» می باشند.

«جان بنیان» (۱۶۸۸-۱۶۲۸) و اثر معروف وی «سیاحت مسیحی» را می توان سمبل پیوریتانیسم معرفی نمود. از دید این مکتب، یک ایماندار مسیحی، مسافری است تنها که باید خود را در راهی پر از وسوسه و خطر حفظ کند تا به مقصد برسد.

پیوریتانیسم دارای انعکاس گسترده ای در تاریخ است و عامل مهمی در تشکیل دموکراسی مدرن به شمار می آید. این نهضت، همچنین تأثیر بسیاری در تشکیل فرقه های جدید تندرو و جدایی خواه از قبیل باپتیست، کویکر، متدیست و پنطیکاستی داشت.

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه ششم - کلیسای انگلیکان

#### ۱- عنوان، انشعابات و آمار

این کلیسا عبارت است از کلیسای ملی در انگلستان. البته کلیساهای دیگر نیز در این کشور پیروانی دارند. اما شاید حدود نیمی از مردم انگلستان، اسماً عضو کلیسای انگلیکان باشند. این کلیسا تحت نام کلیسای اسقفی، در اسکاتلند (با گرایش کاتولیکی در مقابل کلیسای پروتستانی اسکاتلند) و در ایرلند (با گرایش انجیلی در مقابل کلیسای کاتولیک ایرلند) اقلیتی را از مجموع سکنه آن کشور، در بر می‌گیرد. «کلیسای اسقفی آمریکا» قدیمی‌ترین کلیسای متحد یا آزاد انگلیکان در خارج از اروپاست. این کلیسا در سال ۱۷۷۶ و با استقلال آمریکا از انگلستان، از کلیسای مادر جدا گردید. کلیسای انگلیکان در پایان قرن نوزدهم، در سراسر جهان و بخصوص در کشورهای مشترک‌المنافع بریتانیا و نیز در چین و ژاپن، توسعه بسیار یافت. علی‌رغم تشکیل صدها اسقف‌نشین مستقل در کلیساهای اسقفی، هنوز بعضی از این مقرهای اسقفی، تحت رهبری اسقف اعظم کاتربری اداره می‌شوند. این کلیساها به هر حال جماعت کلیسایی واحدی را تشکیل می‌دهند؛ با تعالیم، آیین‌ها و انتصابات خاص خود. «کنفرانسهای لامبث» که هر ده سال یک بار بین اسقفان این کلیسا برگزار می‌شوند، نمونه‌ای از این وحدت، به شمار می‌آیند.

#### ۲- ویژگی‌های کلیسای انگلیکان

استقلال کلیسای انگلستان به ماجرای تاریخی نقض پیمان میان «هنری هشتم» پادشاه انگلستان، با پاپ بازمی‌گردد. شکل‌گیری این کلیسا را تا زمان اصلاحات سال ۱۶۶۰ نمی‌توان تکامل یافته تلقی کرد. هنری هشتم در سال ۱۵۳۴ بر سر مسئله طلاق دادن همسرش که مورد تأیید پاپ قرار نمی‌گرفت، با او قطع رابطه کرد و مدعی شد که ریاست عالی کلیسا و روحانیت انگلستان با شخص وی به عنوان پادشاه است. بدین ترتیب، اصلاح طلبی در انگلستان، در مقایسه با نهضت‌های لوتری و کالوینی، کمتر ریشه‌دار و بنیادی بود. در انگلیکانیسم، هرچند اصلاحاتی صورت پذیرفت، اما محافظه‌کاری را نیز از دست ندادند. با این حال، نهضت اصلاح‌طلبی در انگلستان، تا حدی تحت نفوذ لوترانیسم، کالوینیسم و یا عقاید زوینگلی قرار داشت. انگلستان به ویژه در زمان حکومت ادوارد ششم (۱۵۴۷-۵۳)، پناهگاهی برای پروتستانهای تازه اروپا بود، ولی هیچیک از شخصیت‌های نافذ از قبیل لوتر یا کالوین، نتوانست به تنهایی بر نهضت انگلیکان تأثیر بگذارد. سرانجام شخصی به نام «توماس کرانمر» که اسقف اعظم کاتربری بود، نفوذ دائمی را بر این کلیسا یافت و اعمال کرد. وی اولین «کتاب عبادت‌نامه عمومی» را تألیف کرد که در سال ۱۶۶۲ اصلاح و تجدید چاپ شد و تاکنون به همان شکل باقی مانده است.

کلیسای انگلیکان با تاریخ پیچیده‌اش به عنوان راه وسط بین دو کلیسای کاتولیک و پروتستان شناخته شده و به میانه‌روی اعتقاد دارد. در عین حال، این کلیسا خود را ادامه برحق کلیسای اصلی نیز می‌داند که روش کلیسای قرون اولیه را ادامه می‌دهد. کلیسای انگلیکان دارای دو جناح متفاوت یکی با گرایش‌های سنتی و تشریفاتی و کاتولیکی (High Church) و دیگری با تمایلات پروتستانی و انجیلی (Low Church) است که همواره بین این دو گروه، اختلافاتی هم وجود داشته است. گاهی طرفین بحدی به افراط کشانیده می‌شوند که یا از سویی به کلیسای کاتولیک بازمی‌گردند، و یا از سوی دیگر فرقه تندروی جدیدی تشکیل می‌دهند؛ که در هر دو صورت، این جدایی به کلیسای اصلی انگلیکان لطمه می‌زند. تعلیم «تجسم پسر خدا» مهم‌ترین آموزه این کلیسا به شمار می‌آید.

ویژگی‌های اصلی کلیسای انگلیکان عبارتند از: ۱) نظام اسقفی در اداره کلیسا. ۲) کتاب عبادت‌نامه عمومی. ۳) کتاب مقدس انگلیسی «کینگ جیمز». ۴) تأسیس و وقایع تاریخی مربوط به آن (بخصوص در کلیسای انگلستان، و نه در همه کلیساهای انگلیکان در جهان).

در بیانیه رسمی کنفرانس لامبث در سال ۱۹۲۰، این اصول برای همبستگی دوستانه کلیساهای انگلیکان پیشنهاد شد: ۱) کتاب مقدس به عنوان ثبت وحی خدا به انسان و اعتقادنامه‌های رسولان و نقیبه. ۲) آیین‌های تعمید و عشاء ربانی. ۳) مقامات روحانی در کلیسا که تسلسل رسولانی دارند.

#### ۳- اصول تعلیمی

معیارهای کلیسای انگلیکان در ایمان و عمل عبارتند از:

۱) کتاب مقدس: این کلیسا، کتب قانونی عهد عتیق و عهد جدید را به رسمیت می‌شناسد و در مورد کتب اپوکریفا، آنها را سرمشقی برای زندگی می‌داند و نه مبنایی برای تعلیم. قرائت کتاب مقدس، نقش مهمی در عبادت شخصی و عبادت کلیسایی این کلیسا دارد.

۲ - سه اعتقادنامه عمومی یا کاتولیک: این اعتقادنامه‌ها در عبادت هم به کار گرفته می‌شوند. اعتقادنامه رسولان در تعمیم و اعتقادنامه نقیه در عشاء قرائت می‌شود و اعتقادنامه آنااسیان هم در روزهای معینی از سال.

۳ - اصول سی و نه گانه: اولین نوشته مکتوب در مورد اصول عقاید این کلیسا، ده اصلی بود که در سال ۱۵۳۶ به دستور پادشاه انتشار یافت که هنوز رنگ و بوی کاتولیکی داشت. در زمان همان پادشاه، «سی اصل» با گرایش لوتری انتشار یافت. سپس طرح دیگری دارای رنگ بیشتر پروتستانی در ۱۵۵۳ توسط کرانمر گردآوری گردید و در دوره ادوارد ششم پذیرفته شد. شکل نهایی اصول ایمان در سال ۱۵۶۳ توسط کلیسا تعیین شد و به «اصول سی و نه گانه» معروف گردید. این اصول شامل عقاید کلیسای انگلیکان در مورد تثلیث، تجسم الهی، گناه اولیه، فیض خدا، نجات توسط ایمان، مفهوم کلیسای مرئی، ردّ تعالیم کاتولیکی راجع به برزخ و بخشش گناهان توسط کشیش و استفاده از مجسمه‌ها و تمثال‌ها و استمداد از مقدسین، و نیز داشتن دیدگاه کالوینی در مورد عشاء ربّانی.

۴ - کتاب عبادتنامه عمومی: این کتاب همواره با «اصول سی و نه گانه» از نظر مأخذیت، همپایه بوده است. کرانمر نقش قاطعی در تهیه و تدوین این کتاب دارد. از این کتاب در عبادت هر یکشنبه و در مراسم خاص و آیین‌های کلیسا و اعیاد، به عنوان کتاب راهنما استفاده می‌شود. البته این کتاب بارها مورد تجدید نظر و اصلاح قرار گرفته است.

#### ۴- عبادت

عبادت کلیسایی در این کلیسا بر اساس کتاب دعای سالانه و کتاب عبادتنامه عمومی است و شامل دو نوبت دعای صبح و عصر می‌باشد. عبادت شامل قرائت‌هایی از عهد عتیق و عهد جدید می‌شود، همراه با زانو زدن‌ها و پاسخ جماعت و موعظه و سرود. دعاهای خاصی نوشته شده‌اند که باید خوانده شوند. اعتراف به گناهان و اعلام آموزش نیز از سوی جماعت و کشیش انجام می‌پذیرد.

#### ۵- نظام کلیسایی

کلیسای انگلیکان، موضع‌گیری محکمی در مورد نظام اسقفی در اداره کلیسا دارد. این کلیسا به لزوم تسلسل رسولی در دستگذاری اسقفان نیز اعتقاد دارد و همین ممکن است گاهی باعث تیرگی روابط آن با سایر کلیساهای پروتستان شود. سه منصب رسمی در کلیسای انگلیکان عبارتند از: اسقف (حدائق سن ۳۰ سال)، کشیش (حدائق سن ۲۴ سال)، ۳ شماس (حدائق سن ۲۳ سال). شماسها می‌توانند عهده‌دار انجام بعضی مراسم عبادت و قرائت رساله باشند و در صورت مجاز بودن از سوی اسقف، موعظه کنند. کشیشان، مسئول انجام آیین‌های کلیسایی و موعظه کلام خدا هستند و دستگذاری و انتصاب نیز از وظایف خاص اسقفان است.

دو حوزه مهم در کلیسای انگلیکان که هر یک دارای یک سراسقف یا اسقف اعظم می‌باشد، عبارتند از «یورک» و «کانتربری» که اسقف اعظم کانتربری بر همتای دیگرش تقدم دارد. در انتصاب اسقفان، مقام سلطنت نیز دخالتی تشریفاتی دارد. روحانیت کلیسای انگلیکان دارای مناصب گوناگونی در مدارس، دانشگاه‌ها، ارتش، بیمارستانها، زندانها، بندرگاه‌ها و مؤسسات صنعتی می‌باشد.

#### ۶- گسترش‌های اخیر

- ۱ - نهضت مربوط به عشاء ربّانی باعث شد که این آیین مورد توجه قرار بگیرد و اصلاحاتی در مورد چگونگی برگزاری آن انجام پذیرد.
- ۲ - اصلاحیه قانون شرعی کلیسای انگلیکان که از سال ۱۶۰۴ به بعد همچنان بدون تغییر باقی مانده، در دست اقدام بوده است.
- ۳ - از سال ۱۹۴۶ به بعد اقدامات بیشتری در جهت اتحاد کلیساها و نزدیکی با سایر فرقه‌ها صورت پذیرفته است.
- ۴ - الهیدانان انگلیکان نقش مهمی در احیاء الهیات کتابمقدسی بر عهده گرفته‌اند.
- ۵ - در زمینه سازمان و تشکیلات کلیسا، تشکیل اسقف‌نشینهای مستقل و ترفیع اعضاء بومی کلیساها به مقام اسقفی، از مهمترین نکات مثبت در این قرن به شمار می‌آیند.
- ۶ - کلیساهای انگلیکان در کشورهای مختلف، ضرورت دخالت در مسائل اجتماعی را احساس کرده‌اند. در این مورد می‌توان از نقش مقاومت کننده این کلیسا در برابر تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی در زمان رژیم آپارتاید نام برد.
- ۷ - در انگلستان توجه بیشتری به مسائل طبقه کارگر به عمل آمده و سعی شده تا شکاف موجود میان کلیسا و این طبقه از میان برداشته شود.

۸ - در امور هنری، این کلیساها دیگر لزوماً از طرح‌های سنتی پیروی نمی‌کنند بلکه به هنر مدرن در معماری کلیساهای جدیدالتأسیس خود توجه نشان داده‌اند. این نکته را می‌توان در گرایش بعضی جناح‌های این کلیسا به موسیقی کلیسایی جدید نیز مشاهده نمود.



## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه هفتم - کلیساهای مروی‌ها، برادران پلیموت و کویکرها

#### اول - مروی‌ها

۱) منشاء: «برادران بومی» یا «مروی» جناحی از پیروان «جان هاس» بودند که جماعت خود را در ۱۴۵۷ تأسیس کردند و نام «گروه برادران» را اتخاذ کردند. کتاب مقدس زیربنای معیار تعلیمی آنها بود. آنها هرچند خصوصیتی از نظام قدیم کاتولیکی را حفظ کرده بودند (تعمیم کودکان و داشتن اسقف)، اما قوانین جدیدی نیز بر زندگی ایشان حاکم بود. در ابتدا روابطی با والدنسی‌ها و سپس با لوتر و کالوین داشتند. مروی‌ها جفای بسیار دیدند و بسیاری از آنها از قرن هشتم به بعد مجبور به مهاجرت از محل اصلی زندگی خود (چکسلواکی کنونی) شدند.

۲) پیشرفت: «گنت نیکلاس فون زینندورف» که جوانی ثروتمند و آلمانی بود، تأثیر فراوانی در پیشرفت این کلیسا داشت. از نظر او جامعه ایده‌آل همان جماعت «فیلادلفیا» بود که می‌بایست مسیحیان پیرو سنن گوناگون را متحد سازد. این جماعت، تحت ریاست نوعی شورای محلی مرکب از دوازده نفر شیخ کلیسا که چهار نفرشان شیوخ عالی‌رتبه و یک نفرشان شیخ کل بود، رهبری می‌شد. این جماعت با رعایت جنس و مسئله تجرد و تأهل به گروه‌هایی تقسیم می‌شد. مردان و زنان مجرد بزودی در ساختمانهای جداگانه سُکنی داده می‌شدند و کودکان نیز با رعایت جنس جدا می‌شدند. داد و ستد براساس همکاری انجام می‌گرفت و تصمیمات مهم از قبیل انتخاب همسر، از طریق قرعه اتخاذ می‌شد. زینندورف برای عبادت روزانه، عشاء ربانی ویژه‌ای را که بیشتر آن بر اساس سرود و موسیقی بود، تهیه کرد. هر روز عبادتی مرکب از متنی از کتاب مقدس یا قسمتی از سرودهای روحانی خوانده می‌شد. از دیگر ویژگیهای عبادت مرویان احیاء اعیاد محبت و شستن پاها بود که در کلیسای اولیه انجام می‌شد. خود زینندورف ریاست آن را عهده‌دار بود. مرویها مسیحیانی یارسا بودند که به اعزاز مبشرین توجه فراوان داشتند، ولی نمی‌خواستند لوتری شوند. در آلمان پس از کشمکشهای بسیار، زینندورف که از استقلال جماعت برادران مروی ناراضی بود استعفاء کرد، اما چون مرویان کارگرانی جدی و فعال بودند، از سوی پادشاه اجازه یافتند تا به عنوان کلیسای مستقلی تحت نام «جماعت برادران» در آلمان شناخته شوند و بالاخره با پذیرش اعتقادنامه آکسبورگ از سوی مرویان، در سال ۱۷۴۷ بطور همسان با کلیسای لوتری پذیرفته شدند. در همان سال با تصویب پارلمان انگلستان و با نام گروه «برادران» بعنوان یک کلیسای اسقفی در آنجا به رسمیت شناخته شدند.

در دوره‌ای از احساسات شدید در این جماعت آغاز شد و وعظهای شورانگیز زینندورف بر تأکید بر عذاب و مرگ مسیح (که به «الهیات خون» معروف است) بر همه چیز غلبه یافت. تأکید بر زخمهای عیسی مدار اصلی همه موعظه‌ها بود و این امر تا مدتی ادامه یافت، ولی بعد از سال ۱۷۵۰ تغییر قابل ملاحظه‌ای رخ داد.

۳) تشکیلات: هنگام مرگ زینندورف در ۱۷۶۰، رهبری این نهضت به «اوگوست گتلیب سپانجنبرگ» که اسقف جماعت مروی در آمریکا بود رسید. او برخلاف زینندورف از طبیعتی میانه‌رو و عملی برخوردار بود. با انجام چند شورا بالاخره با تأسیس یک کلیسا موافقت کردند. اصول تعلیمی جماعت برادران مروی در کتابی نوشته سپانجنبرگ تحت عنوان «ایده ایمان برادران» در ۱۷۷۸ منتشر گردید. کتاب سرود آنها هم در همان سال تهیه و گردآوری شده است. این برادران هنگامی که در ۱۷۷۵ تشکیلات خود را منظم کردند دارای شانزده کلیسا در آلمان، دو کلیسا در هلند، پانزده کلیسا در انگلستان، پنج کلیسا در ایرلند و هجده کلیسا در آمریکای شمالی بودند و کلیه این کلیساهای حدود شانزده هزار عضو داشتند. در حوالی سال ۱۸۰۰ این برادران ضعیف شدند ولی در قرن بعد، زندگی جدیدی روی آنها اثر گذاشت بطوری که چند بار دستخوش اصلاحات و تجدید نظرها قرار گرفتند. در آمریکا در ۱۸۱۸ مسئله قرعه در مورد انتخاب همسر در ازدواج لغو شد. از ۱۸۸۹ به بعد نیز استفاده از قرعه بعنوان کشف اراده مسیح بطور کلی لغو گردید.

۴) اصول تعلیمی: مروی‌ها چند کتاب و بیانیه تعلیمی دارند. کتاب مقدس تنها مأخذ تعلیمی این کلیسا بشمار می‌آید. تمرکز بر مسیح و تأکید بر کفار و فدیة او اصل ایمان آنهاست. عبادت الهی در اتاقی صورت می‌گیرد که مرویان ترجیح می‌دهند آن را تالار بنامند و نه کلیسا. عبادت و عشاء ربانی آنها ساده است و غالباً با سرودهایی که بصورت برگردان بین کشیش و جماعت انجام می‌گیرد، همراه با خواندن کتاب مقدس و دعاها برگزار می‌شود. در روزهای مخصوص مراسم «شام محبت» که صرف غذای ساده بصورت دسته جمعی و همراه با خواندن سرود است، برگزار می‌شود. سه مقام روحانی در این کلیسا عبارتند از اسقفها، کشیشها و شماسها. هرچند مرویان هرگز دارای آمار وسیعی نبودند ولی در تاریخ کلیسا و در بشارت جهانی و در تأثیر گذاری بر مردانی از قبیل «جان وسلی» و «شلایر ماخر» نقش بسزایی ایفا کرده‌اند.

### دوم - برادران پلیموت (دارباینها)

۱) منشاء: کمی پس از سال ۱۸۲۰ عده‌ای از مردم با ایده‌های فداکارانه و پارسامناشانه در شهر دوبلین و بعدها در دیگر جاها بخصوص در شهر پلیموت متشکل گردیدند. تمایل آنها به سادگی خلوص عبادت و همچنین به اتحاد و برادری بود و سخت تحت تأثیر روح مکاشفای آن عصر بودند. ابتدا آنها فکر نمی‌کردند که کلیسای جدیدی تأسیس کنند ولی هنگامی که نهضت آنها توسعه یافت، در ۱۸۲۸ توسط شخصی به نام «جان نلسون داری» که یک وکیل دعاوی و یکی از روحانیون منصوب در کلیسای ایرلند بود، متشکل شدند و عنوان برادران را برای خود برگزیدند.

۲) گسترش: داری که تحت تأثیر مسائل مکاشفای بود، در نظر داشت همه پیروان فرقه‌ها را گرد هم آورده تا همه با هم در انتظار بازگشت ثانوی خداوند باشند. در نتیجه وعظ او گروه‌های در دوبلین، پلیموت و دیگر نقاط فرقه خاص خود را تحت عنوان برادران تشکیل دادند. داری آثار بی‌شماری درباره مکاشفه و موضوعات عمومی در مورد کتابمقدس انتشار داد و مسافرت‌های تبلیغاتی چندی به سوئیس، آلمان و آمریکا و همچنین در داخل جزایر بریتانیا کرد. این نهضت گسترش یافت ولی مشاجرات داخلی هم به آن لطمه زد. در اثر این مشاجرات، دو گروه به وجود آمدند: یکی جماعت آزاد که خواستار روابط حسنه با دیگر مسیحیان بود، و دیگری جماعت محدود که چنین تمایلی نداشت.

۳) اصول تعلیمی: کتابمقدس قانون اصلی ایمان آنهاست. عشاء ربانی هر هفته برگزار می‌شود، ولی تعمید مختص بزرگسالان است. به پیروی از دستور پولس زنها مجاز نیستند در کلیسا صحبت کنند. دارای عبادتی ساده و زندگی جداگانه‌ای هستند و در انتظار بازگشت خداوند بسر می‌برند. این برادران اعلام آمار اعضای خود را کاری برخلاف کتابمقدس می‌دانند ولی دارای چند هزار پیرو در اروپا و آمریکا می‌باشند.

### سوم - انجمن دوستان (کویکرها)

۱) منشاء: کویکرها در دوره پرخروش حکومت کرامول در انگلستان پیا خاستند. ریشه آنها از گروهی منشاء می‌گرفت که «حق جویان» نامیده می‌شدند. آنها گروهی بودند که در بن‌بست‌های مذهبی موجود در کلیساهای انگلستان، در انتظار نبوت جدیدی از سوی روح‌القدس بودند. رهبر کویکرها شخصی بود بنام «جورج فاکس». والدین او هر دو از پیوریتن‌ها بودند. خود جورج فاکس دارای زمینه شدمی برای خیالیانی بود بطوری که در ۱۶۴۳ دچار بحران روحی شد. در همان سال در حالی که از آن‌ها اظهار به پیوریتن بودن در خود و سایر دوستانش زده شده بود، تصمیم به ترک بستگان و جدا شدن از همه انسانها گرفت و از آن پس زندگی همراه با آوارگی را برای خود برگزید. در ۱۶۴۶ به گفته خودش به آرامش دست یافت و همراه با مکاشفای الهی ذهنش روشن شد. او صدایی شنید که می‌گفت فقط مسیح می‌تواند با او سخن بگوید. او ادعا می‌کرد که به سه حقیقت دست یافته است: ۱) ایمانداران حقیقی کسانی هستند که از طریق تولد تازه به زندگی با خدا راه یافته‌اند. ۲) تعلیم و تربیت در دانشگاه آکسفورد یا کمبریج (که مشخصه روحانیون کلیسای انگلستان در آن زمان بود) کافی نیست که انسان را خادم مسیح سازد. ۳) خدا در هیچ کلیسای ظاهری که بدست انسان ساخته شده است، ساکن نمی‌شود.

از سال ۱۶۴۷ او برای وعظ انجیل «نور باطنی» مسافرت‌هایی کرد. وضع ظاهری و روشهای او چنان بود که جلب توجه می‌کرد. او موهای بلندی داشت و جامه چرمی به تن می‌کرد و هر کسی را «تو» خطاب می‌کرد. کلاه خود را برای هیچکس بر نمی‌داشت و سوگند نمی‌خورد و به پیروان خود دستور می‌داد که به خدمت نظام نروند. اینگونه فعالیت‌های او به چند فقره زندانی شدن منجر شد. تأکید او بر روح‌القدس بود و الهام روح را برتر از متون کتابمقدس می‌دانست. پیروان او خود را دوستان نامیدند که بعدها این عنوان یا «فرزندان نور» نام رسمی این گروه شد. دیگران آنها را «کویکر» نامیدند که حاکی از لوزه یا ریشه‌ای بود که در جلسات آنها بچشم می‌خورد. این نهضت علیرغم آزار و تمسخرها بزودی برای خود جایی پیدا کرد و مبلغین پرشور آن به ایرلند، آمریکای شمالی و هلند و سپس آلمان، فرانسه، ایتالیا، نروژ، ترکیه و اورشلیم اعزام شدند. آنها نامه‌هایی به پاپ نوشتند. جورج فاکس خود نامه‌ای به حاکم الجزیره و امپراتور چین نوشت. پس از مرگ جورج فاکس، مردی استثنایی به نام «جیمز نایلو» رهبر این جماعت شد، ولی به فرور و کفرگویی کشانیده شد و القابی الهی بر خود نهاد. از شخصیت‌های معروف کویکر می‌توان از «ویلیام پن» و «الیزابت فرای» نام برد.

ویژگیها: در جناح بندی فرقه‌های مسیحی، کویکرها را از افراطیون جناح چپ می‌دانند که فاقد اصول و آیین‌ها و تشکیلات هستند. از خصوصیات کویکرها اعتقاد به عرفان آرام و برتر دانستن نور باطنی از کتابمقدس است. با تعلیم عمومی دیگر کلیساهای موافقت دارند و از این نظر می‌توان آنها را راست‌دین و انجیلی دانست. عبادت را در سکوت انجام می‌دهند. فاقد تعمید و عشاء و مراسم ظاهری هستند و بیشتر به اخلاقیات توجه دارند. کویکرها بعنوان یک جماعت مسیحی از سوی شورای جهانی کلیسا به رسمیت شناخته شده‌اند.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - فصل‌های نهم و هفدهم و بیستم)

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه هشتم - کلیساهای کانگریگیشنال و باپتیست

#### اول - کلیسای کانگریگیشنال

(۱) عنوان، ریشه، ویژگی و تاریخ

در کلیساهای کانگریگیشنال، اصطلاح «کلیسا» به معنی جماعت محلی یا مجمع نامرئی کلیه پیروان است. به کار بردن واژه «کانگریگیشنال» برای بیان یک ایده روحانی خاص، تقریباً همزمان در انگلستان و آمریکا بین سالهای ۱۶۴۰-۱۶۵۰ آغاز شد و در پایان قرن هفدهم، دو عنوان کانگریگیشالیسم و کانگریگیشالیست در مورد پیروان این ایده به کار می‌رفت. آنها تحت عنوان «مستقل‌ها» هم نامیده می‌شدند. کانگریگیشالیسم شکل اصلی پیوریتانیسم انگلستان است. این نهضت با جدا شدن پیوریتانهای افراطی از کلیسای تأسیسی در سال ۱۵۸۱ تشکیل شد. پیشگامان این نهضت («روبرت براون» و «هنری بارو») با ایده کلیسای ملی مخالف بودند و اعتقاد داشتند که ملکوت خدا با بهترین کلیسای محلی آغاز می‌شود؛ نه با همه کلیساها. براون، جماعت اختصاصی خود را در ۱۵۸۱ در شهر نورویچ تشکیل داد. اعضاء این جماعت با عهد و پیمان به هم پیوستند و جلساتشان با نظم و ترتیب به پیش می‌رفت. در ۱۵۹۳ در حالی که بارو به خاطر اعتقادش اعدام شده بود، براون عقاید خود را رها کرده منصب کشیشی در کلیسای انگلیکان را برگزید. بسیاری از کانگریگیشالیستهای جدید انگلستان، به نوشته‌های «جان روبین سان» و «جان اوئن» روی آوردند.

براون، بارو و پیروان آنها از نظر اصول عقاید، کالوینیست واقعی بودند اما از نظر نظام کلیسایی با پرسبیتاریانیزم و طرز تفکر انگلیکانهای آن عصر اختلاف داشتند:

- ۱- آنها حق دخالت دولت در نظام کلیسا را رد می‌کردند.
  - ۲- آنها کلیسا را یک جماعت داوطلب متشکل از ایمانداران تلقی می‌کردند.
  - ۳- بر اصل کهنات همه ایمانداران تأکید بسیار داشتند.
  - ۴- خادمان هر جماعت (مأمورین، روحانیون، معلمین، شیوخ و تسلی دهندگان) توسط خود آن جماعت باید انتخاب می‌شدند.
  - ۵- جماعت‌ها دارای استقلال قضایی و اجرایی هستند ولی با یکدیگر همکاری برادرانه دارند.
- اولین مهاجرانی که در ۱۶۲۰ به آمریکا مهاجرت کردند (پدران مهاجر) کانگریگیشالیستهایی بودند که در دنیای جدید خواهان تأسیس کلیسا و داشتن زندگی روزانه بر اساس ایده‌های خودشان بودند در خلال سالهای بعد جماعتی انبوه از انگلستان به آمریکا مهاجرت نموده در ایالات نیویانگلند اقامت گزیدند و در آنجا مهاجر نشینهای ماساچوست کانکتیکات و نیوهون را تأسیس کردند. این مهاجر نشینها که پیوریتن بودند، به سازمان دادن خود بر اساس اصول کانگریگیشالیسم کشانده شدند. پیوریتن‌ها در آمریکا به تعلیم و تربیت، علاقه خاصی نشان دادند. دو دانشگاه پیشرو در آمریکا «هاروارد» و «ییل» به ترتیب در سالهای ۱۶۳۶ و ۱۷۰۱ توسط کانگریگیشالیست‌ها تأسیس گردیدند. در انگلستان بیانیه ایمان کلیساهای کانگریگیشالیست در ۱۶۵۸ صادر شد که تنها کمی با اعتقادنامه وست مینستر، آن هم در مورد نظام پرزبتری تفاوت دارد. تاریخ کانگریگیشالیست در انگلستان در خلال قرن گذشته شاهد ظهور الهیات جدید و الهی دانان برجسته‌ای است. در آمریکا بیداری روحانی بزرگی در طی سالهای ۴۲-۱۷۴۰ تحت رهبری یک متدیست کالوینیست بنام «جورج ویتفیلده» و یک کانگریگیشالیست بنام «جانانان ادواردز» صورت گرفت. جانانان ادواردز دانشگاه مهم الهیاتی را که کاملاً کالوینیست هم بود در نیوجرسی تأسیس کرد. از آغاز قرن نوزدهم، کلیسای کانگریگیشنال، توسعه خود را در خارج از نیویانگلند آغاز کرد و در ۱۸۷۱ یک شورای ملی در آمریکا و از ۱۸۹۱ یک شورای بین‌المللی داشته است.

(۲) آمار، اصول عقاید و عبادت

کلیساهای کانگریگیشنال فقط در کشورهای انگلیسی زبان وجود دارند. البته در کشورهای اسکاندیناوی هم کلیساهای مشابهی همان ایده روحانی را دنبال کردند. تعداد اعضاء این کلیسا تا سه دهه قبل، حدود ده میلیون نفر تخمین زده شده است. کانگریگیشالیستها پایبندی خاصی به حفظ اصول اساسی‌شان دارند. هر کلیسا در امور داخلی خود آزاد است و همه اعضاء در انتخابات، حق رأی مساوی دارند. پذیرش اعضاء جدید به رأی جماعت بستگی دارد. هر کلیسای کثیش خود را انتخاب می‌کند و در انجام عبادت خود آزاد است، اما کلیسا از همدیگر حمایت مالی می‌کنند و با هم به مشورت می‌پردازند. به هر حال روی این نکته تأکید می‌شود که هر کلیسا آزادی کامل دارد و هیچیک از آنها

نمی‌توانند بر دیگری حکومت کنند.

کانگریگیشناالیستها بر اساس اصولشان نمی‌توانند هیچگونه اعتقادنامه یا سند اعترافی را به عنوان مأخذ الزامی خود به رسمیت بشناسند و با تحمیل هر اعتقادنامه‌ای مخالفند. همین امر باعث شده که برای مثال، مهاجران اولیه کانگریگیشناالیست به آمریکا در مورد کتابمقدس کاملاً بنیادگرا بودند، در حالی که در کانگریگیشناالیسم جدید، تا حد زیادی تحت تأثیر نقادی کتابمقدس می‌باشند.

کشیش کاملاً به کلیسای محلی وابسته است و همواره به عنوان ضرورتی برای بهتر زیستن کلیسا تلقی شده است. انجام مراسم کلیسایی بر عهده کشیش گذاشته شده است، هر چند برای مثال، ممنوعیتی هم برای امکان برگزاری مراسم عشاء ربانی از سوی غیر روحانیون وجود ندارد. کلیساهای کانگریگیشنال به طور یکسان توسط یک کشیش و هیأتی از شماسان اداره می‌شود. از وظایف شماسان، کمک آنها به کشیش در انجام مراسم عشاء ربانی است.

آیین‌های مقدس را اعمال کلیسا می‌دانند؛ نه اعمال مقام کشیشی. تعلیم این کلیسا در مورد آیین‌های مقدس، نزدیک به نظر کالوین و تحت تأثیر تفسیر زوینگلی بوده است. اصول عبادتی این کلیسا از نوع پیوریتانی است. ساختمانهای کلیساهای خود را (که اصولاً مرکز تجمع نامیده می‌شوند) به دور یک سکوی وعظ بنا می‌کنند. در قرن هجدهم شخصیت‌های برجسته‌ای در کلیسای کانگریگیشنال بوجود آمدند که از جمله می‌توان از آیزاک واتس، سوابنده معروف سروده‌های کلیسایی نام برد. ترتیب عادی در عبادت این کلیساها از این قرار است: سرود و دعا، قرائت کتابمقدس همراه با سرودها یا مزامیر، موعظه و دعای اختتام. مراسم شام خداوند هر ماه یکبار انجام می‌شود.

## دوم - کلیسای باپتیست (تعمیدی)

### ۱) ریشه و تاریخ

باپتیست‌ها از اینکه «آنا باپتیست‌های» دوره اصلاحات کلیسا را بعنوان پیشگامان خود بحساب بیاورند، افتخار می‌کنند. این ادعا به این منظور است که ریشه خود را به آن دوره بازگردانند و کلیسای جدیدی شناخته نشوند. آنها در عین حال معتقدند که از روش کلیسای اولیه پیروی می‌کنند. این اعتقاد از این جهت است که می‌گویند تعمید بزرگسالان ریشه در عهد جدید دارد و در عصر رسولان عضویت کلیسا بر اساس ایمان شخصی و داوطلبانه و بعد از آن تعمید قرار داشته است اما بعد از دوره رسولان، فترت و انحطاط بوجود آمده است.

اولین مخالفان بر حرارت تعمید کودکان کمتر از ۷ سال و هواخواهان تعمید مجدد برای بزرگسالان، گروهی از روحانیون و مردم شهر زوریخ بودند که در ۱۵۲۳ اظهار داشتند که ایمانداران باید از کلیسا جدا شوند و یک جماعت خالص و پاک تشکیل دهند. این جماعتها، خواهان استقلال کامل از دولت بودند، تعمید کودکان کمتر از ۷ سال را بر خلاف کتابمقدس و حتی عملی شیطانی تلقی می‌کردند. اولین تعمید دوباره در ۱۵۲۵ بعمل آمد که با جفاهایی هم مواجه شد. در عید قیام همان سال، کشیشی بنام «بالتازار هوبمایر» خود توسط یکی از آنا باپتیست‌های زوریخ تعمید مجدد یافت و به تعمید کلیه افراد جماعت خود پرداخت. وی مقالاتی در دفاع از این نوع تعمید نوشت ولی در ۱۵۲۷ به زندان افتاد و در سال بعد در وین اعدام شد. اینان از سوی مخالفین خود، آنا باپتیست یا دوباره تعمید دهندگان نامیده شدند. ولی آنها خود این عنوان را رد کردند چون تعمید کودکان را اصولاً باطل می‌دانستند و از این نظر تعمید خودشان را برای بار اول محسوب می‌کردند. نهضت آنا باپتیست بزودی در سوئیس و آلمان گسترش یافت اما از سوی کاتولیک‌ها و نیز پیروان لوتر ضربه‌های شدیدی را تحمل کرد. در جریان اشغال شهر مونستر توسط آنا باپتیست‌ها و تأسیس حکومتی افراطی، جنگی بپا خاست که نتیجه‌اش شکست جناح رادیکال و سیاسی و اجتماعی نهضت باپتیست بود. در نتیجه نهضت جدیدی از باپتیست‌ها در هلند و توسط شخصی به اسم «منو سیمونز» در هلند شکل گرفت. باپتیست‌های هلند، مردان و زنانی دیندار و صلح‌جو بودند که می‌خواستند عقاید خود را با تحمل جفا و شهادت، تأیید کنند. این گروهها در هلند به منونیت‌ها (به نام رهبر خود) معروف شدند.

نهضت باپتیست انگلستان کمی پس از سال ۱۶۰۰ از میان جدایی خواهان پیوریتانی سرگردان در هلند آغاز شد. «جان اسمیت» کشیش کانگریگیشناالیست آمستردام، تحت نفوذ منونیت‌ها معتقد شد که تعمید کودکان با کتابمقدس منافات دارد. او در ۱۶۰۹ خود و افراد گروهش را تعمید داد. اما بعدها درباره ارزش اینکار تردیدهایی به خود راه داد. بحث بر سر این بود که آیین تعمید باید با پاشیدن آب انجام گیرد یا با غوطه‌ور شدن در آب. «توماس هلويس» پس از مرگ جان اسمیت، رهبر این نهضت شد و بزودی با گروهش به لندن بازگشت به هنگام مرگ او چهار جماعت باپتیست در لندن وجود داشت. به تدریج تأکید بر این قرار گرفت که شکل صحیح تعمید، غوطه‌ور شدن در آب است. در مورد تعلیم فیض، جان اسمیت و اولین تعمیدی‌ها در الهیاتشان پیرو آرمینیوس بودند ولی باپتیست‌های بعدی از میان کالونیست‌ها برخاستند. همین امر باعث شد که دو گروه پیرو کالوین و آرمینیوس تحت عناوین باپتیست‌های عمومی و باپتیست‌های خاص شناخته شوند. بتدریج

بپتیست‌های کالونیت گسترش بیشتری یافتند و در آمریکا اظهارنامه‌ای ایمانی جداگانه‌ای انتشار دادند.

یکی از چهره‌های رهبری نهضت بپتیست «جان بنیان» است که خود بعنوان یک بزرگسال تعمید مجدد یافت ولی سه تن از فرزندان خود را واداشت تا در کودکی تعمید یابند. قرن هجدهم دوره‌ای از انحطاط و زوال عمومی بود. ولی کلیساهای بپتیست در احیاء حیات کلیسا، که نتیجه نهضت متدیست بود، سهم شدند. توسعه بشارت گسترده کلیسا در قرن نوزدهم ریشه در بپتیست‌ها دارد. در ۱۷۹۲ «ویلیام کری» مسیحیان انگلستان را بیدار و متوجه مسئولیتشان در برابر جهان غیر مسیحی کرد و در همان سال انجمن بشارتی بپتیست تأسیس گردید. برجسته‌ترین مبشر بپتیست‌ها در انگلستان در قرن نوزدهم «چارلز هدون اسپرچن» بود. موعظه‌های او هزاران نفر را بسوی ایمان و کلیسا کشانید به حدی که وی را شاهزاده و اعظین نامیدند. در آمریکا نهضت بپتیست از قرن هفدهم آغاز شد و در خلال قرن نوزدهم گسترش ویژه‌ای در میان سیاهپوستان پیدا کرد. در اروپا این نهضت توسط یک بپتیست آمریکایی در آلمان و از آنجا به اسکاندیناوی راه یافت. بعدها در روسیه نیز کلیسای بپتیست پیشرفت خاصی یافت.

## ۲) گسترش و آمار

در کشورهای اروپایی، روسیه بیشترین تعداد بپتیست را دارد. اما بیشترین تعداد آنها را که میلیونها نفر است، در آمریکا می‌توان یافت. فرقه‌های کوچک بپتیست را در این چند گروه اقلیت می‌توان بررسی نمود:

- ۱ - بپتیستهای آزاد یا مختار که مراسم مذهبی‌شان را به طور عمومی برگزار می‌کنند و مسیحیان همه فرقه‌ها را در عشاء ربانی خود می‌پذیرند.
  - ۲ - تونکرها یا بپتیستهای آلمانی که طرفدار آرامش هستند و با هر نوع آموزش الهیاتی مخالفند.
  - ۳ - بپتیستهای ضد بشارت که با تأکید بر برگزیدگی خدا از ابتدا، هرگونه فعالیت بشارتی را بیهوده می‌دانند.
  - ۴ - بپتیست‌های روز هفتم که به روز شنبه بعنوان روز استراحت و عبادت اعتقاد دارند.
- از سال ۱۹۰۵ بیشتر این گروهها در اتحادیه بپتیست جهانی گرد هم آمدند و چند کنگره جهانی تشکیل دادند.

## ۳) ویژگیها، تعالیم و عبادت

مهمترین ویژگی کلیساهای بپتیست تأکید بر تعمید بزرگسالان با روش غوطه‌ور شدن در آب است. در مورد سایر عقاید آنها ذکر این نکات ضروری است:

- ۱ دیدگاه بپتیست‌ها در مورد کلیسای محلی بسیار نزدیک به تعلیم کانگریگیشنالیست‌هاست. کلیساها بر اساس اراده خدا و با عضویت داوطلبانه ایمانداران به وجود می‌آیند.
- ۲ - اصل آزادی مذهبی و آزادی شخصی در ایمان مورد تأکید است. همین امر باعث می‌شود که تعمید کودکان را نپذیرند و دخالت حکومت‌های دنیوی بر کلیسا را رد کنند.
- ۳ - تفسیر آنها از مسیحیت، توجه به روحانی بودن شخصی است و نه به مراسم و کتیبتان و آئین‌ها و اصول ایمان.
- ۴ - نظام کلیسایی براساس جماعت است. قدرت در دست اعضای کلیسا است و کشیش با اعضای کلیسا برابر است. کلیساهای بپتیست شوراهای و تشکیلات کشوری و بین‌المللی نیز برای خود تشکیل داده‌اند.
- ۵ - بپتیست‌ها برای بعضی دستورات روحانی که در زندگی کلیسا ضرورت دارند، اهمیت فراوانی قائلند. دو آئین تعمید و عشاء ربانی وجود دارند اما نجات در نهایت فقط به ایمان مربوط می‌شود. تعمید اعتراف یک ایماندار به ایمان اوست. عشاء ربانی نیز مطابق عقاید کالونیتیستی و نظرات زوینگلی انجام می‌شود.
- ۶ - عبادت بپتیست‌ها در ساختمانی انجام می‌شود که فاقد محراب است. عبادت از سکوی وعظ هدایت می‌شود و متشکل است از سرودها، دعاها، قرائت کتابمقدس و موعظه. عمل تعمید در حضور جماعت انجام می‌گیرد و تعمید دهنده و تعمید گیرنده غالباً پوشش سفید بر تن دارند و با هم در آب فرو می‌روند. برخی از بپتیست‌ها تعمید دادن را مختص کشیشان دستگذاری شده می‌دانند در حالی که دیگران می‌گویند که این حق هر مسیحی تعمید یافته‌ای است که بتواند دیگران را هم تعمید بدهد. تعمید شرط عضویت در کلیساهای بپتیست است.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - فصل‌های دوازدهم و سیزدهم)

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه نهم - کلیساهای متدیست، شاگردان و پنلیکاستی

#### اول - کلیسای متدیست

##### ۱) ریشه و تاریخ

کلیسای متدیست در نتیجه بیداری روحانی بزرگی که به وسیله «جان وسلی» (۱۷۹۱-۱۷۰۳) در انگلستان پایه گذاری شد، به وجود آمد. وسلی که فرزند یک کشیش بود، به آکسفورد راه یافت و در آنجا به باشگاهی پیوست که توسط گروهی از جوانان ایماندار و معتقد به زندگی جدی روحانی همراه با قوانین سخت تشکیل شده بود. قوانین سخت زندگی این گروه سبب شد که نام «متدیست‌ها» بر آنها گذاشته شود. جان وسلی در کلیسای انگلستان بعنوان کشیش دستگذاری گردید. در ۱۷۳۵ طی یک مسافرت بشارتی که به جورجیا کرد، در کشتی با یک گروه از مراویان برخورد نمود. ایمان آنها دگرگونی عمیقی در او بوجود آورد. هرچند شکست او در آن سفر بشارتی موجب شد که با افسردگی به انگلستان بازگردد، اما ۱۷۳۸ آن تجربه روحانی را که در پی‌اش بود یافت و خود را بعنوان یک مبشر سیار وقف اعلام مژده نجات نمود. برای تأسیس کلیسای متدیست بعنوان یک کلیسای جداگانه که در ۱۷۸۴ تکمیل شد، می‌توان سه دلیل ذکر نمود: از سویی، بیداریهای روحانی خواه ناخواه باعث بوجود آمدن طبقه‌های جدید و جدایی طلب از مؤمنین می‌شد. از سوی دیگر، روحانیون سایر کلیساها تمایلی به همکاری با نهضت جدید نداشتند. و بالاخره مشکلات خاصی که در میان پیروان وسلی در آمریکا وجود داشت باعث شد که وسلی شخصاً در مورد انتصاب کشیشان اقدام نماید. عنوان «کلیسای متدیست» هرگز مورد تأیید خود جان وسلی نبود، ولی از سال ۱۷۵۹ همکاران او یعنی «جان فلچر» و «وینسنت پرونت» آن را بکار گرفتند. می‌توان گفت که از تاریخ ۱۷۹۵ انفکاک کلیسای متدیست از کلیسای انگلیکان کاملاً تحقق یافت.

متدیست‌های آمریکا هم مانند سایر متدیست‌هایی که در خارج از انگلستان زندگی می‌کردند، تحت قلمرو اسقف لندن بودند. در ۱۷۸۴ متدیست‌های آمریکا «کلیسای اسقفی متدیست» را تشکیل دادند که هم در ایالات جنوبی و هم در سرزمینهای جدید غربی گسترش سریعی یافت. عامل اصلی این گسترش، مبشران با حراوت و پرشور این کلیسا بودند. در «۱۸۳ گروهی که خواهان دخالت بیشتر غیر کشیشان در امور کلیسا بود»، «کلیسای پروتستان متدیست» را تشکیل دادند که غیر اسقفی بود. تفرقه بزرگ در متدیسم آمریکا در ۱۸۴۵ در مورد مسأله بردگی اتفاق افتاد و «کلیسای متدیست اسقفی جنوب» در مقابله با متدیستهای شمال که به شدت مخالف برده‌داری بودند، به وجود آمد. تاریخ متدیسم انگلستان در طی قرنهای نوزدهم و بیستم مملو است از بیداریهای روحانی و گسترش‌های کلیسایی؛ که البته با جدایی‌ها و اتحادها نیز همراه بوده‌اند. با این حال می‌توان از این نکات به عنوان عوامل نفوذ کلیسای متدیست نام برد: شرکت فعالانه غیر کشیشان در امور کلیسا، کوچک شمردن اختلافات تعلیمی بین فرقه‌ها، فعالیت‌های بشارتی حامیان بیداریهای روحانی، تأکید بر توبه و ایمان آوردن ناگهانی و اصرار شدید بر تقدیس و پاکی زندگی شخصی.

##### ۲) گسترش و آمار

نهضت متدیست در زمان زندگی خود وسلی، به ایرلند و کانادا نیز راه یافت. متدیستها نخستین کسانی بودند که انجیل را در استرالیا در پایان قرن هجدهم وعظ نمودند. در ایتالیا و کشورهای اسکاندیناوی هم فعالیت‌هایی داشتند. آمار تعداد کل اعضای این کلیسا در سراسر جهان در چند دهه پیش تا حدود ۵۰ میلیون نفر تخمین زده شده است که اکثر آنها در آمریکا هستند.

##### ۳) ویژگی‌های کلیسای متدیست

از نظر این کلیسا، زندگی آگاهانه و پُر از ایمان در خدا، اهمیتی بیشتر از مسائل تعلیمی و اعتقادی دارد. منشاء این کلیسا بر هیچ اعتراض تعلیمی قرار نگرفته بلکه بر اساس بیداری روحانی و تأکید بر زندگی پاک و مقدس می‌باشد. جان وسلی و تا حد بیشتری جانشینانش، معیارهای قدیمی را در هم شکستند، اما نسبت به جنبه‌های خاصی از اصول تعلیمی انگلیکان پافشاری نموده و بقیه را به کلی نادیده گرفتند:

- ۱ - عبادت در کلیسای متدیست، شباهت بسیاری با مراسم کلیسای انگلیکانها دارد.
  - ۲ - متدیست‌ها در زندگی روزمره، از آداب و رسوم پیوریتن‌ها پیروی می‌کنند. استعمال الکل و دخانیات ممنوع است. از بسیار چیزها باید اجتناب نمود و اعمال نیکو تشویق شده‌اند.
  - ۳ - در میان متدیست‌ها هم مانند مراویان می‌توان تأکید خاص بر روی زندگی مشترک را مشاهده نمود. در این میان می‌توان از مراسم شام محبت نام برد.
  - ۴ - از نظر اصول تعلیمی، وسلی تحت تأثیر لوتر بوده است. وسلی نیز به نجات از طریق ایمان معتقد است، اما اطمینان از نجات را متکی به عمل نیز می‌داند و نه فقط ایمان تنها.
- «تقدیس» به عنوان مرحله بعدی در ایمان و رسیدن به تکامل مسیحی در همین دنیا، از دیگر خصوصیات کلیسای متدیست است.

#### ۴) اصول اعتقادی

علاوه بر کتاب مقدس که قانون اصلی برای ایمان و زندگی محسوب می‌شود، نوشته‌های سه گائنهٔ وسلی نیز معتبر شمرده می‌شوند: (۱) اصول بیست و پنج گانه سال ۱۷۸۴ که اختصاری از اصول سی و نه گانهٔ کلیسای انگلیکان می‌باشند. (۲) یادداشتهایی در عهد جدید (۱۷۷۵). (۳) گفتارهای چهل و چهار گانه معروف به «مواعظ استاندارده».

بعضی از عناصر ویژهٔ کاتولیک در منابع انگلیکان، از نظر متدیست‌ها رد شده‌اند؛ از جمله اعتقاد به نزول مسیح به عالم اموات (برزخ)، و اعتقاد به سه اعتقادنامهٔ کاتولیک. ولسی در مورد مسألهٔ اطمینان از نجات، پیرو آرمینیوس بود و عقاید کالوین را دربارهٔ جبر و اختیار قبول نداشت.

#### ۵) قوانین و تشکیلات

در متدیسم بریتانیا، مرجع عالی و نهایی، کنفرانس سالانه‌ای است که کلیهٔ کلیساها در آن نماینده دارد از میان مسئولیتهای زیاد آن یکی انتصاب کشیش است. در مرحلهٔ پایین‌تر از این کنفرانس جلسات ناحیه‌ای سالی دو بار شوراها مذهبی خود را تحت ریاست یک روحانی که هر سال انتخاب می‌شود، برگزار می‌کند. تشکیلات متدیسم آمریکا با نمونه‌های آن در اروپا هماهنگی زیادی دارند. مرجعیت عالی، اجرایی، قضایی و قانونگذاری، با یک کنفرانس عمومی است که هر چهار سال یکبار برگزار می‌شود و از روحانیون و غیر روحانیون با امتیاز مساوی ترکیب یافته است.

#### ۶) عبادت

وسلی کتاب دعای عمومی را در قسمت عشاء ربانی به مقدار قابل ملاحظه‌ای خلاصه کرد. او بسیاری از قسمتهای مزامیر عهد عتیق را بطور کلی و یا آیه‌هایی از آنها را حذف کرد. شکل کنونی عبادت صبحگاهی در کتاب مقامات رسمی متدیست‌های بریتانیا تنها در نکات جزئی با عبادت صبحگاهی انگلیکان تفاوت دارد. دعاها و تراثت‌ها از کتاب مقدس بطور دلخواه انتخاب و بیان می‌شوند. عشاء ربانی را افراد در حالی که روی دو زانو نشسته‌اند، دریافت می‌دارند. آب انگور غیر مخمر بجای شراب بکار می‌رود.

### دوم - کلیساهای پنطیکاستی

#### ریشه و تاریخ

نهضت پنطیکاستی از نهضت‌های احساسی است که از اوایل قرن بیستم به تشکیل جماعت‌های مجزا منتهی گردید. این نهضت توجه خاصی به تکلم به زبانها و شفا داشت و تأکیدش بر نزول روح القدس در روز پنطیکاست است که اسم خود را نیز از همان واقعه اخذ نموده. نهضت پنطیکاستی ریشه در بیداریهای روحانی که در ولز و در سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۵ بوجود آمد، دارد. بیداری در ولز سبب احیاء ایمان و عقاید مذهبی پر شور گردید و به سایر نقاط جهان نفوذ کرد. در آمریکا نیز از سال ۱۹۰۱ که زنی از دانشجویان مدرسهٔ کتابمقدس در شهر توپکا ایالت کانزاس به زبانها سخن گفته بود، زمینه آماده شده بود. در سال ۱۹۰۶ در جلساتی که توسط یک واعظ سیاهپوست بنام «ویلیام ج. سیمور» تشکیل داده بود، این نهضت پا گرفت. معمولاً روز نهم آوریل ۱۹۰۶ که یک کودک سیاهپوست هشت ساله در یکی از جلسات به زبانها صحبت کرد، روز تولد این نهضت محسوب می‌گردد. این خبر، شور و شوق بسیاری برانگیخت و از همه جا برای مشاهدهٔ این واقعه بسوی لوس آنجلس روانه شدند. نهضت پنطیکاستی بویژه در بین کلیساهای باپتیست و متدیست به سرعت پیشروی کرد. پنطیکاستی‌ها بزودی مجله‌ای بنام «ایمان رسولانی» انتشار دادند که بطور رایگان بخش می‌شد و هزینه‌اش از طریق هدایای هواداران تأمین می‌گردید. نهضت پنطیکاستی نیز مانند جنبش متدیست، تأکید بر تغییر ناگهانی ایمان و تقدیس کامل می‌کرد. اما بر این دو، تمعید روح القدس را اضافه نمود و نشانهٔ آن را تکلم به زبانها معرفی کرد. علاوه بر تکلم به زبانها، بر مسألهٔ شفاهای معجزه‌آمیز نیز توجه بسیار می‌شد. نهضت پنطیکاستی بزودی در اروپا بخصوص در نروژ، سوئد و فنلاند، و سپس در انگلستان، آلمان و فرانسه گسترش یافت. کنفرانسهای جهانی پنطیکاستی‌ها در استکهلم (۱۹۳۹)، در زوریخ (۱۹۴۷)، در پاریس (۱۹۴۹) و در لندن (۱۹۵۲) برگزار شده است.

#### ۲) تعلیم، تشکیلات و زندگی فداکارانه

پنطیکاستی‌ها در مورد مسألهٔ نجات بوسیلهٔ ایمان، لوتوی هستند. در تمعید، باپتیست؛ در تقدیس، متدیست؛ و از نظر تشکیلات کلیسایی کانگریگیشنال بشمار می‌آیند. تعلیم اصلی آنها بر اساس کتابمقدس و تفسیر بنیادگرایانهٔ آن است. جماعت‌های پنطیکاستی، از یکدیگر مستقل هستند و تحت رهبری کشیشان و سایر خادمین اداره می‌شوند. در عبادت آنها همه چیز باید آزاد باشد و از ترتیب معینی پیروی نمی‌کنند. تمایل شدیدی نسبت به احساسات پر شور وجود دارد و موضوعات مهم در وعظ آنها عبارتند از کفارهٔ گناهان از طریق خون مسیح، ایمان آوردن، تمعید روح القدس و بازگشت ثانوی مسیح. صحبت کردن به زبانها از مشخصه‌های جلسات عبادتی آنها است.

## معرفی فرقه‌های مسیحی

### جلسه دهم - فرقه‌های علم و مردود

#### اول - یونیتاریانیسم

اصل ایمان این فرقه، مخالفت با تثلیث است. این امر در بدعتهای کلیسای اولیه نیز (مونارکیانیسم و آریانیسم) وجود داشته است. آغاز این فرقه بطور مشخص در زمان اصلاحات کلیسا بوده است که توسط جناح چپ افراطی در مخالفت با عقاید سنتی کلیسا صورت پذیرفت. لوتر، کالوین و زوینگلی همه بشدت با آن مخالفت کردند و آن را عامل ویرانگر اساس ایمان مسیحی دانستند. میکائیل سروتوس در ۱۵۳۱ کتابی منتشر نمود که تثلیث را بر اساس عقاید سابلانیسم معرفی می‌کرد. وی در دومین کتاب خود پا از این هم فراتر گذاشت و به پانته‌نیسم تمایل نشان داد. در ۱۵۵۳ زمانی که در ژنو ساکن بود، بر اساس دستور کالوین دستگیر شد و سپس او را با کتابهای سوزاندند. گروه‌های مخالف با تثلیث در ایتالیا هم وجود داشته‌اند. نخستین کلیسایی که بر اساس مخالفت با تثلیث تأسیس گردید، در لهستان بود. بدین ترتیب پس از مدتی مخالفان تثلیث از دیگر کشورها نیز به لهستان پناهنده شدند. یونیتاریانهای لهستان به الهیات ضد تثلیث، تعمد بزرگسالان، تفسیر سمبلیک عشاء ربانی، مخلوق بودن مسیح و الوهیت نداشتن روح‌القدس معتقد بودند. مرکز دیگری نیز در ترانسیلوانیا وجود داشت که در آنجا مخالفان تثلیث از آزادی کامل برای تبلیغات خود برخوردار بودند.

در ۱۶۰۲ یونیتاریانهای لهستان از سوی ژرژیت‌ها با مخالفت و آزار مواجه شدند و مجبور به ترک کشور و پناه آوردن به ترانسیلوانیا و هلند گشتند. در قرن هفدهم این نهضت به انگلستان گسترش یافت و برای اولین بار در آنجا نام یونیتاریان بر این فرقه نهاده شد. از چهره‌های مهم تاریخ این فرقه، «جوزف پریتلی» کشیش و دانشمند معروف است.

در انگلستان، کلیسای یونیتاریان در ۱۸۱۳ از سوی دولت به رسمیت شناخته شد. در اوائل قرن نوزدهم، یونیتاریانها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در آمریکا داشتند. آنها از نوعی مسیحیت غیر متعصب، خوشبینانه و آزاد حمایت می‌کردند و به همین خاطر در جامعه پذیرفته می‌شدند. یونیتاریانیزم بعنوان کلیسای روشنفکران شناخته شد و آنها توانستند بر دانشگاه هاروارد نیز مسلط شوند.

از مشخصه‌های این فرقه، انکار الوهیت مسیح و گرایش به پانته‌نیسم است. یونیتاریانیسم در حال حاضر فعالیت و پیروان چندانی ندارد.

#### دوم - دانش مسیحی

این فرقه، شکلی از عرفان است که توسط «مری بیکر ادی» در قرن نوزدهم پایه‌گذاری شد. مری که از طفولیت ضعف‌های جسمی داشت، به اسپیریتم، هیپنوتیزم و مگنتیزم گرایش یافت. ازدواج اولش با مرگ شوهر وی خاتمه یافت و ازدواج دومش پس از ۱۲ سال به طلاق انجامید. در این دوره بود که با شخصی به نام کویمی آشنا شد و پس از یک دوره درمانی، تحت راهنمایی او از بیماریهای مزمنش شفا یافت. بنظر او کویمی این نظریه را اثبات کرد که بیماری در تختل پدیدار می‌شود و طریق درمان بیماری این است که بیمار به خود تلقین کند که سالم است. این تعلیم بعدها زیربنای تعلیم خانم ادی شد. بعدها مشاجرات تلخی میان شاگردان کویمی و خانم ادی بر سر اینکه حق تقدم در این اکتشاف با چه کسی بوده است، درگرفت. اما خانم ادی اظهار می‌داشت که نظریه و روشهای او تفاوت اساسی با طریق کویمی دارد. وی کتابی بنام «دانش و سلامتی» نوشت که اکنون همراه با کتابمقدس، کتاب قانونی و رسمی این فرقه شمرده می‌شود.

مری بعدها با یکی از پیروان خود ازدواج کرد که او هم درگذشت و یا به زعم مری کشته شد. مری به انتشار مجلات و روزنامه‌ها پرداخت که از جمله می‌توان از روزنامه معروف در جهان امروز یعنی «کریسچن ساینس مونیتور» نام برد. او فعالیتهای خود را با معجزات مسیح مقایسه می‌کرد. در ۱۸۹۵ در بوستون اولین کلیسای خود را که کلیسای مادر برای تشکیلات جهانی محسوب می‌شود، تأسیس نمود. وی تا هنگام مرگ، جماعت خود را رهبری می‌کرد و با کارهای انتشاراتی و اعزام سخنرانان به تبلیغ می‌پرداخت.

عقاید خاص این فرقه عبارتند از: فقط روح و عقل وجود دارد - ماده وجود ندارد - تثلیث رد می‌شود - بدی و شرارت زائیده توهم‌اند - کتابمقدس باید بصورت مجازی تفسیر شود.

شش نکته اعتقادی پیروان فرقه دانش مسیحی از این قرارند: ۱) کتابمقدس بعنوان راهنمای کامل برای زندگی. ۲) اعتقاد به خدای یکتا و نیز به پسر او مسیح و نیز به روح‌القدس بعنوان تسلی دهنده و نیز به انسان که در تصور و همانندی خداست. ۳) آموزش و نابودی گناه که در واقع گناه، یک امر غیر واقعی است. ۴) کفاره گناهان از طریق تجسم و مرگ مسیح و نجات و شفا توسط مسیح کسب می‌شود. ۵) درک حیات جاودانی در مصلوب شدن مسیح و صعود او. ۶) دعا و تلاش برای همانند شدن.



### سوم - شاهدان یهوه

این فرقه غلط را می‌توان دختر ادونتیست‌ها نامید. مؤسس آن مردی بود بنام «چارلز تیز راسل». او که از کانگریگیشنالیسم، یعنی مذهب والدینش زده شده بود، تحت تأثیر ادونتیسم قرار گرفت. سپس با ارائه تفسیرهای جدید در مورد بعضی کلمات یونانی در کتاب مقدس مربوط به بازگشت ثانوی مسیح، تاریخ ۱۸۷۴ را برای بازگشت ثانوی مسیح تعیین نمود. با رد عقایدش از سوی سایر کشیشان، به نگارش کتاب و انتشار مجله پرداخت. پس از مرگ او در سال ۱۹۱۶، «راترفورد» جانشین وی شد و نفوذ اصلی خود را از طریق انتشارات و تا حدودی از طریق رادیو گسترش داد. او نویسنده‌ای پرکارتر از راسل بود.

راسل در سایر نوشته‌هایش، آمدن ملکوت خدا بر زمین را در سال ۱۹۱۴ پیش بینی کرد. سپس تاریخهای مختلفی برای این امر پیشنهاد نمود که هیچ یک بوقوع نیبوستند.

ساختمانهای مرکزی شاهدان یهوه دارای تشکیلات عظیمی است که بر اساس سیستم اداری - تجاری اداره می‌شوند. اعضای این گروه بسیار فعال هستند. آنها در جنگ دوم جهانی در آمریکا و آلمان آزار بسیار دیدند. چون از خدمت نظام امتناع کردند، به زندان افتادند، ولی همین به رشدشان کمک کرد. شاهدان یهوه، کتاب مقدس را با تفسیر راترفورد قبول دارند. آنها مخالف تثلیث هستند و تعلیمی مشابه آریانیسم دارند. از نظر آنها مسیح مخلوقی است که گاهی با میکائیل فرشته برابر شناخته می‌شود. در مورد روح القدس کمتر چیزی گفته شده است. روح انسان از نظر آنها جاودانی نیست. به جهنم و عذاب ابدی اعتقادی ندارند و می‌گویند همه آنانی که به حکومت یهوه ایمان نیاورند، یکبار نابود خواهند شد. شاهدان یهوه سعی می‌کنند با بحث و بررسی نشانه‌های آخر زمان، جنگ حارمجدون و تاریخ دقیق بازگشت ثانوی مسیح توجه عموم را به خود جلب کنند. اصلاح جهان را بی‌فایده می‌دانند. تعمیم برای بزرگسالان و در استخراج انجام می‌گیرد. عشاء‌رسانی صرفاً یک «شام یادبود» محسوب شده و سالی یکبار در عید تیمم انجام می‌گیرد.

### چهارم - مورمون‌یسم

این فرقه در حقیقت مذهب جدیدی است که به یک نبی و وحی تازه معتقد است. «جوزف اسمیت» در قرن نوزدهم خود را نبی خواند و ادعا کرد که نوشته‌ای به او ظاهر شده و جای الواح طلائی و عینک مخصوص قرائت آنها را به او گفته است. وی بارها در طول زندگی فردی کلاهبردار و نیرنگ باز معرفی شد. با اینحال کتاب «مورمون» را ظاهراً از روی آن الواح و با استفاده از عینک قرائت آنها ترجمه نمود. این کتاب که بنا به ادعای مورمون‌ها از تأییدیه ۳۸ گواه نیز برخوردار است، از نظر نثر شبیه ترجمه انگلیسی کتاب مقدس معروف به «کینگ جیمز» می‌باشد و عباراتی از اعتقادنامه وست‌مینستر، یک کتاب متدیست و جمله‌ای از شکسپیر دارد. مضمون کتاب مورمون افسانه‌ای سرخپوستی است. در این کتاب اظهار شده که آمریکا در اصل از سوی جاردایت‌ها که بلافاصله پس از سقوط برج بابل به آنجا آمدند، آباد شد. بعدها این گروه به «الماناینها» که سرخپوستان کنونی از نژاد آنها بودند و «نقاینها» که مؤمنان حقیقی به مسیح بشمار می‌آیند. چون مسیح خود پس از قیام به آنها وحی فرستاده بود، تقسیم شدند. اینها بعداً از میان رفتند ولی متون مقدس آنها توسط مورمون و پسرش مورونی تدوین یافته و تا هنگام کشف آنها، در زیر زمین مدفون ماندند ولی با کمک فرشته و توسط جوزف اسمیت پس از قرونها منتشر شدند.

در ۱۸۳۰ جوزف اسمیت و یکی از پیروان اولیه‌اش برای خود کلیسای جداگانه‌ای در نیویورک تأسیس کردند. وی ادعا می‌کرد که یکسال قبل از آن یحیی تعمید دهنده را دیده بودند که از آسمان نزول کرده و آنها را مأموریت داده که یکدیگر را تعمید دهند. وی همچنین می‌گفت که بعدها پطرس، یعقوب و یوحنا بر او ظاهر شدند و او را به کشیشی نصب کردند.

در اثر بروز مخالفتها از سوی مردم اسمیت و پیروانش به ایلینویز مهاجرت کردند. در آنجا او تعدد زوجات را برقرار نمود و خود را کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرد، ولی در زندان ترور شد. «برینگهام یانگ» جانشین او، همه پیروان مورمون‌یسم را به ایالت یوتا آورد و در آنجا بنای معبد و تعالیم جدید شرک آلودشان آغاز شد.

مورمون‌ها معتقدند به اینکه خدا هم ابتدا انسان بوده و هر انسانی می‌تواند خدا شود. به تعمیم مخصوصاً برای مردگان اهمیت خاصی می‌دهند. شجره‌نامه‌های مفصلی برای خانواده‌های خود دارند. از اعضاء خود ده یک دریافت می‌کنند و هر یک از مردان جوان آنها موظف است یک تا دو سال خدمت تبلیغی داشته باشد.

### ۱- حدود جهان مسیحیت

در مطالعه و بررسی فرقه‌های مسیحی، گوناگونی بسیاری از جناح راست (کلیساهای ارتدوکس و کاتولیک) تا جناح چپ (کویکرها و سایر فرقه‌های تند رو) بچشم می‌خورد. اما هیچیک از این فرقه‌ها نمی‌توانند مسیحیت را صرفاً محدود به فرقه خود بدانند. همواره سعی شده، تا حد و حدودی برای جهان مسیحیت قرار داده شود. در این مورد، گاهی اوقات اعتقادنامه رسولان پیشنهاد شده است. اما این اعتقادنامه از سوی کلیساهای ارتدوکس و بعضی فرقه‌های پروتستان قابل قبول نیست و اعتقادنامه نیکه فراگیرتر از آن است. از سوی دیگر تمایل بر این است که کتابمقدس بعنوان معیار اصلی شناخته شود. اما کتابمقدس نیز مورد سوءاستفاده بعضی فرقه‌های غلط قرار گرفته. در مورد آئین‌های مقدس هم اختلاف نظر بسیار است. به همین خاطر ویژگی اصلی که می‌تواند مشخصه کلیساهای حقیقی در جهان مسیحی باشد عبارت است از عقیده به عیسی مسیح بعنوان پسر خدا، خداوند و نجات دهنده. در واقع همین اصل، شرط عضویت کلیساهای شورای جهانی کلیساهاست.

### ۲- جنبه‌های مشترک بین کلیساهای گوناگون

هرچند عدم اتحاد و انشعاب وسیعی در کلیساهای جهان مسیحیت بچشم می‌خورد، اما نقاط مشترک هم بسیارند:

- ۱) اعتقادنامه‌های رسولان و نیکه: در کنفرانس روحانی لوزان در ۱۹۲۷ لزوم تهیه یک اعتقادنامه مشترک برای سراسر جهان مسیحیت مورد توجه قرار گرفت و نهایتاً در بیانیه این کنفرانس به اتحاد کلیساهای در اعتقاد به اعتقادنامه‌های رسولان و نیکه تأکید شد.
- ۲) کتابمقدس: کتابمقدس معیار تعلیمی مشترک برای همه کلیساهاست. البته فرقه‌های مختلف، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به آن دارند، ولی در همه جا بعنوان عالی‌ترین مأخذ اعتقادی مورد پذیرش است.
- ۳) نظام روحانی: هرچند سه نظام کلی اسقفی، مشایخی و جماعتی، تفاوت‌های اصولی با یکدیگر دارند، اما وجود یک نظام روحانی حاکم در کلیسا برای موعظه کلام خدا و انجام آئین‌های مقدس، تقریباً در بین همه فرقه‌ها مشترک است.
- ۴) عبادت و آئین‌های مقدس: در عبادت و شیوه پرستش کلیساهای، تفاوت بسیار بچشم می‌خورد. در کلیساهای سنتی، عشاء ربانی نقطه مرکزی عبادت کلیسا است. اما در کلیساهای پروتستان، موعظه مرکز عبادت شناخته می‌شود. بعضی کلیساهای از نظام مکتوب خاصی پیروی می‌کنند در حالی که کلیساهای دیگر، همه چیز را در عبادت آزاد می‌دانند. از نظر اهمیت داشتن و چگونگی انجام آئین‌های مقدس نیز کلیساهای تفاوت اصولی دارند، اما همین آئین‌ها، بخصوص عشاء ربانی و تعمید، نقطه مشترکی بین کلیساهای محسوب می‌شوند.
- ۵) زندگی مسیحی: آنچه که در همه فرقه‌های مسیحی مورد تأکید است، تشویق ایمانداران به داشتن زندگی مسیحی فداکارانه همراه با دعا و رابطه با خدا و نیز محبت نسبت به دیگران است. هر مسیحی مؤمنی تشویق می‌شود که گناهکار بودن خود را پذیرفته، با تکیه بر بخشش خدا توبه کند و با ایمان واقعی، عیسی مسیح را بعنوان نمونه خود در زندگی پیروی نماید.

### ۳- پراکندگی جهان مسیحیت

در مورد تقسیم جهان مسیحیت به فرقه‌های بیشمار که بین آنها رقابت و گاهی دشمنی نیز وجود دارد، نکاتی را باید مورد توجه قرار داد:

- ۱) وجود کلیساهای متعدد نشانه‌ای از ضعف یا گناه بشمار می‌آید. این حقیقت که کلیسای مسیح، متحد نیست برای بسیاری یک سنگ لغزش است. بسیاری از افراد خارج از دایره مسیحیت از خود می‌پرسند اگر بخواهیم مسیحی و عضو کلیسای باشیم، کدامیک را باید حقیقی و صحیح بدانیم؟
- ۲) بسیاری از تفاوت‌های موجود در حال حاضر در جهان مسیحیت از عوامل تاریخ و مسائل ملی در گذشته سرچشمه می‌گیرند. هر یک از این اختلافات فرقه‌ای را اگر ریشه یابی کنیم ممکن است به واقعه‌های تاریخی، ملی، اجتماعی و سیاسی برسیم. البته بسیاری از فرقه‌ها نیز در نتیجه یک بیداری روحانی و یک نهضت مذهبی بوجود آمده‌اند.
- ۳) از سوی دیگر باید توجه داشت که این همه تفاوت، حاکی از تنوع و غنی بودن کلیسا هم هست. کلیسا نمی‌تواند در هر زمان و در هر مکان یک شکل ثابت داشته باشد بنابراین، گوناگونی نیز لازم است. کلیساهای مکمل یکدیگرند و بدون توجه به همه کلیساهای جهان مسیحیت، نمی‌توان دید کاملی از ایمان مسیحی داشت.

### ضمیمه: نزدیکی بین فرقه‌های مسیحی

در دوره‌های مختلف تاریخ کلیسا، کوششهایی برای اتحاد و نزدیکی بین فرقه‌ها بعمل آمده است. در قرون وسطی، چند بار کوششهایی بعمل آمد تا شکاف میان شرق و غرب ترمیم یابد. مهمترین نتیجه این کوششها در شورای فرارا فلورانس در ۱۴۳۸ - ۳۹ بود که به اتحاد مجدد ولی کوتاه مدتی بین این دو کلیسا منجر شد. در خلال دوره‌های اصلاحات کلیسا نیز تلاشهای ناموفقی به منظور تجدید اتحاد میان کلیساهای لوتری و کلیساهای کاتولیک رومی صورت گرفت. این تلاشها همراه با کوشش امپراتور چارلز پنجم به یک سری گفتگو و یک توافق تحمیلی در دوران موقت لایپزیک در سال ۱۵۴۹ منجر گردید، ولی گسیختگی التیام نیافت. در ۱۵۲۹ نیز تلاش برای اتحاد لوتری‌ها با پیروان زونگلی شکست خورد، که بعداً همین تلاش در مورد کلیساهای لوتری و اصلاح شده نیز به جایی نرسید. جالب‌ترین نمونه در قرن شانزدهم و در لهستان صورت گرفت. در آنجا شخصی به نام «لاسکو» رهبر طرفداران اتحاد بین کلیساهای پروتستان بود. کنفرانسی که در ۱۵۷۰ برگزار شد به یک اتحاد لوتری-اصلاح شده در کلیساهای شراوی منجر گردید ولی بیش از ۷۰ سال به طول نینجامید و در ۱۶۴۵ منحل گردید.

در قرن هفدهم موانعی بوجود آمد که غیر قابل عبور بنظر می‌رسید، اما این عقیده نیز پدیدار شد که تعالیم اساسی مسیحیت در مورد همه کلیساها مشترک است و تأکید بعضی فرقه‌ها بر مسائل مورد اختلاف و عدم گذشت نسبت به آن مسائل، امری شیطانی است. در طول همین قرن، شخصی به نام «اسکات جان دوری» از طریق تماسهای شخصی و مسافرتهاش کوشید تا سران کلیساهای انگلیکان، لوتری و اصلاح شده را با وجود اختلاف شدیدشان متحد سازد. در همان قرن، تماسهای گاه و بیگاه میان کلیسای انگلستان و کلیساهای ارتدوکس وجود داشت. در خلال قرنهاي نوزده و بیست شرایطی برای همکاریهای روحانی بوجود آمد. در این دوره جنبشهایی بوقوع پیوست که بر قالبهای ملی و خطوط سنتی تفرقه انداز میان کلیساها خط بطلان کشید. تحقیقات تاریخی اصول عقاید به آشکار شدن زمینه تاریخی اختلافات تعلیمی موروثی کمک کرد. با پیشرفت وسایل ارتباط جمعی، ارتباط بین ملتها توسعه بیشتری یافت. کنگره‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی متعددی در جهان برگزار شد. بطور کلی می‌توان سه نوع نزدیکی بین کلیساها را در این دوره تشخیص داد:

(۱) تماسهای شخصی از طریق مؤسسات داوطلب بین‌الکلیسایی: در فاصله میان سالهای ۵۰-۱۸۴۰ علاقه شدیدی نسبت به ایجاد یک کمیته جهانی «پروتستانهای واقعی» وجود داشت که به تشکیل «اتحادیه انجیلی لندن» در ۱۸۴۶ انجامید. این اتحادیه دارای عضویت انفرادی بود و نمایندگان ظاهری غیر اعتقادنامه‌ای، ضد لیبرال و مطلقاً ضد کاتولیک بود. این نهضت از حمایت قابل ملاحظه‌ای در جهان انگلیسی زبان برخوردار شد. ولی کلیساهای لوتری تقریباً کناره‌گیری کردند. این اتحادیه از ۱۹۰۷ به بعد دچار یک انحطاط گردید. «انجمن مردان جوان مسیحی» (YMCA) بعنوان یک مؤسسه انگلیسی دربرگیرنده جوانان مسیحی از کلیساهای مختلف در ۱۸۴۴ در لندن تشکیل شد. این انجمن بر اساس اصولی که داشت، بیشتر اتحاد مذهبی در زندگی روزانه را مورد توجه قرار می‌داد، تا اتحاد تعلیمی را. «انجمن زنان جوان مسیحی» (YWCA) و «دوستی بین‌المللی دانشجویان انجیلی» و نیز «انجمن تجدید اصول اخلاقی پس از جنگ جهانی دوم» از دیگر نهضت‌های بین‌الکلیسایی بشمار می‌آیند.

(۲) تماسهای رسمی بین کلیساها با هدف اعتلاف یا اتحاد سازمانی: در این مورد، اتحادیه‌های جهانی برای کلیساهای یک فرقه، به وجود آمده‌اند. از سال ۱۸۶۷ جماعت انگلیکان در کنفرانسهای لامبث که اسقفان انگلیکان سراسر جهان در آن شرکت داشتند، پیمان اتحاد بستند. کلیساهای اصلاح شده دارای یک سازمان ارتباطی می‌باشند که در ۱۸۷۵ تشکیل شد و مختص کلیساهای اصلاح شده‌ای است که در جهان به شیوهٔ پرزبیتری عمل می‌کنند. متدیست‌ها در سال ۱۸۸۱، کانگریگیشنالیست‌ها در سال ۱۸۹۱، و باپتیست‌ها در سال ۱۹۰۵ به تأسیس فدراسیون‌های جهانی خود پرداختند. لوتری‌ها آخرین کلیسایی بودند که به تأسیس فدراسیون جهانی لوتری در ۱۹۴۷ اقدام نمودند. اینگونه اتحاد به نزدیکی بیشتر و هماهنگی فراتر بین فرقه‌های دارای عقاید مشترک کمک می‌نماید.

از سوی دیگر در ۱۹۲۵ و در کانادا با شکل‌گیری یک اتحاد سازمانی میان کلیساهای متدیست، پرزبیتری و کانگریگیشنال، «کلیسای متحد کانادا» بوجود آمد. کلیسای انگلیکان برای اتحاد با سایر کلیساها چهار شرط را مقرر نمود که عبارتند از: کتابمقدس - اعتقادنامه‌های رسولان و نیقیه - دو آئین مقدس تمیید و عشاء ربانی - تسلسل تاریخی مقام اسقفی.

(۳) همکاری عملی میان کلیساها: این عمل به همکاریهای مختلف بین‌الکلیسایی انجامید. «انجمن کتابمقدس» از مهمترین مراکز فعالیتهای مشترک بین‌الکلیسایی است. از سوی دیگر با تشکیل کنفرانسهای متعدد بشارتی، همکاریهای وسیعی بین فرقه‌های مسیحی با هدف مشترک بشارت به جهان انجام می‌پذیرد. در امور اجتماعی نیز مؤسسه‌های بین‌الکلیسایی به اقدامات مشترک و وسیع در سطح جهان می‌پردازند.

در اینجا لازم است به «شورای جهانی کلیساها» اشاره نمود که در سال ۱۹۴۸ تشکیل شد و در حال حاضر، بزرگترین سازمان بین‌الکلیسایی در جهان است. بخش عمده‌ای از کلیساهای پروتستان و سپس کلیساهای ارتدوکس به عضویت شورای جهانی کلیساها درآمدند. کلیسای کاتولیک نیز پس از شورای واتیکان دوم، نمایندگان خود را در مجامع رسمی شورای جهانی کلیساها می‌فرستد و متقابلاً از نمایندگان آن شورا دعوت به عمل می‌آورد.

(تلخیص از کتاب «جهان مسیحیت» - بخش دوم فصل‌های اول تا چهارم)